

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزبانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزبانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزبانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافی ما بهره مند شوید.



عزیزبانک، بانک مورد اعتماد همه



www.azizibank.af

1515

یادداشت روز

دموکراسی و رؤیای ناممکن انتخابات

مردم سالاری و حاکمیت دموکراتیک بنیان های اصلی نظامی را می سازد که پس از طالبان تهداب آن در «بن» گذاشته شد. به این دلیل، حاکمیت مؤقت شکل گرفت و سپس دولت انتقالی تا عرصه را برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری هموار سازد. نخستین حکومت انتخاباتی پس از طالبان، توانست امکان برگزاری انتخابات پارلمانی و شورای ولایتی را مهیا کند. به این ترتیب، پس از هفت سال سلطه ی تمامیت خواهانه و مستبدانه ی طالبان می توانستیم رد پای مردم را در دولت و حاکمیت دنبال کنیم.

تصمیم بر تأسیس یک نظام دموکراتیک، یک شبه نبود. این تصمیم از متن طولانی و تاریک نظام های استبدادی پیشین می آمد. نظام هایی که مردم را سرکوب می کرد، به حاشیه می راند و در آخرین مورد، در زمان طالبان، حتا حق حیات را نیز سهمیه بندی کرده بود. خاطره ی تلخ و تجربه ی عینی شهروندان از غیبت مردم در «ساختار سیاسی و دولت» تأمین حق مشارکت مردم در ساخت نظام سیاسی مردم سالار و مبتنی بر مشارکت شهروندان را به مثابه ی یک نیاز جدی برای عبور از بحران بیان می کرد. به همین دلیل تصمیمی که برای آینده ی سیاسی کشور گرفته شد، با استقبال عمومی مواجه شد. چه این که سرکوب، اختناق و حذف شهروندان از دخیل شدن در تصمیم سیاسی و تعیین تقدیر جمعی نمی توانست غیر از طریق تأمین مشارکت مردم و بازگشت شهروندان به صحنه ی حیات سیاسی ممکن شود.

ادامه در صفحه ۲



اعتراض قربانیان جنگ حملات توپخانه یی پاکستان را پایان دهید!

صفحه ۲



صفحه ۵

پایان «همبستگی ملی»، آغاز «میثاق شهروندی»

چهارده سال پیش روستاهای افغانستان نه سیمای امروزی را داشتند و نه از تسهیلات ابتدایی زندگی برخوردار بودند. همه جا ویرانی بود و زیربنای زراعتی تخریب شده بود. دولت افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی به خاطر احیا و انکشاف زیربناها، آرایه ی خدمات به روستاییان، تغییر در زندگی مردم و فقرزدایی برنامه ی «همبستگی ملی» را طرح کرد. طرح و تطبیق این برنامه بر مبنای پروسه یی که تا آن زمان در کشور امتحان نشده بود، آغاز یافت. یعنی تطبیق، پلان گذاری و عملی کردن پروژه ها و اولویت های پروژه ها توسط مردم تمرینی بود که پیش از این تجربه نشده بود. مردم تصور نمی کردند روزی این برنامه ی...

با افغان بیسیم میلیونر شوید!

برندگان قرعه کشی



خوست



قندهار



کابل



کابل

با مصرف نمودن 60 افغانی و یا بیشتر از آن در هر هفته چانس برنده شدن را بدست آورید!



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

اما در حالی که بنیاد قانونی نظام سیاسی کنونی مبتنی بر اصل مشارکت شهروندان و مردم‌سالاری است، انتخابات پیش از آن‌که به بار بنشیند و تجربه‌ی دلپذیری برای شهروندان شود، آغشته به فساد، مداخله و دست‌اندازی شد. این وضعیت تا آن‌جا پیش رفت که منتج به رقم خوردن انتخابات جنجالی ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ شد. انتخاباتی که یگانه امکان انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و تعیین صلح‌آمیز حکومت بعدی بود، خود مایه‌ی بحران و تنش سیاسی دیگر شد. یک سال کشمکش بر سر نتیجه‌ی انتخابات و تعیین گروه برنده، اعتبار نهادهای تسهیل‌کننده‌ی انتخابات و میکانیزم‌های آن را به تمامی از میان برد. شهروندان که با اشتیاق و امیدواری با تحمل تهدیدهای امنیتی به پای صندوق‌های رأی رفته بودند، به عریان‌ترین شکل ممکن می‌دیدند که آرای آن‌ها در میانه‌ی دست‌اندازی‌ها و رقابت‌های فراقانونی گم شده است. به این ترتیب، در حالی که هر دو رقیب انتخاباتی در پایان یک تنش جدی پیروز انتخابات اعلام شدند، مردم در آن به سختی شکست خوردند.

انتخابات هنوز به‌عنوان امکان تأمین مشارکت مردم در تصمیم سیاسی معتبر بود، اما کمیسیون‌های انتخابات و شکایات انتخاباتی و تمهیداتی که برای تأمین مشارکت شفاف مردم سنجیده شده بود، از اعتبار ساقط شده بود. حکومت وحدت ملی، در حالی‌که به قیمت شکست دادن مردم به پیروزی رسیده بود، می‌باید در اولین فرصت اقدام به بازسازی اعتبار آن می‌کرد. دو سال گذشت و حتا برخلاف تفاهم‌نامه‌ی سیاسی دو رقیب انتخاباتی و شریک کنونی سیاسی، «اصلاح نظام انتخاباتی و کمیسیون‌های انتخاباتی» در میان‌هالی بی‌اقدام و تیره‌گی بیشتر فرو رفت. انتظار می‌رفت با تعیین اعضای جدید کمیسیون انتخابات و کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی، بن‌بست در این عرصه بشکند و فرصت برای اصلاح و سنجیدن طرح جدید برای برگزاری انتخابات پارلمانی و اعلام پایان دوره‌ی پارلمان شانزدهم که وارد دومین سال کاری غیر قانونی‌اش شده است، فراهم آید. بازگرداندن اعتبار انتخابات، اگر از سویی می‌توانست با برگزاری انتخابات پارلمانی، وجهه‌ی مخدوش دولت را قانون‌مند سازد، از جهتی دیگر ادای احترام به مردمی بود که بی‌هیچ پروایی رأی و تصمیم‌شان تحقیر شده بود.

به نظر می‌رسد در روزهای آینده طرح کوچک‌سازی حوزه‌های رأی‌دهی در کابینه‌ی حکومت به بحث گذاشته شود. طرحی که هر حوزه‌ی انتخاباتی را حداقل منوط به ۴ نماینده تا ۷ نماینده کرده است. به این ترتیب، برخی ولایات دارای ۲ تا ۵ حوزه‌ی انتخاباتی خواهند شد. احتمالاً این طرح جایگزین بهتری برای طرح «تک‌کرسی» سازی حوزه‌های انتخاباتی خواهد بود، اما به معنای پایان «بحران انتخابات» نیست. چه این‌که غیر از طرح کوچک‌سازی حوزه‌های رأی‌گیری، طرح فهرست رأی‌دهندگان تا هنوز سرنوشت روشنی ندارد. جدی‌ترین چالشی که اعتبار انتخابات را بر خاک نشاند، مشکل کارت‌های رأی‌دهی بی‌صاحب و نامشخص بودن شمار دقیق رأی‌دهندگان هر حوزه‌ی انتخاباتی بود.

تعیین فهرست رأی‌دهندگان، تا زمانی که تذکره‌های الکترونیکی، یا کارت‌های هویت مشابه الکترونیک، مثلاً کارت صحتی، توزیع نشود، ناممکن است. با نفوس خیالی، کارت‌های هویت سرگردان و آمار خیالی رأی‌دهندگان، برگزاری انتخابات شفاف ناممکن است. در نتیجه، اگر انتخاباتی برگزار شود، نه به هدف تأمین مشارکت مردم و به نیت احترام به اصل دموکراسی که به هدف تخریب آن و سلب حق مشارکت سیاسی شهروندان و تعدیل عملی و غم‌انگیز قانون اساسی خواهد بود.

حکومت و مشخصاً رییس‌جمهور غنی و عبدالله عبدالله، در دو تنگنای سختی قرار دارند. حامد کرزی تلاش کرد حتا با سامان دادن انتخابات سراسر تنش و بی‌نظمی، ننگ انتقال خشونت‌آمیز قدرت را به دنبال نکشد، اما غنی و عبدالله، دو زمامدار سیاسی کنونی‌اند که در زمان حضورشان، بخشی از دولت، پارلمان، عملاً خارج از زمان تعیین‌شده‌اش فعالیت می‌کند و انتخابات تا مرز ناممکن شدن پیش آمده است. در بدبینانه‌ترین حالت، حتا اگر تلاش برای اصلاح و برگزاری انتخابات صورت گیرد، برگزاری شفاف انتخابات پارلمانی تا یک سال دیگر ناممکن است. اما حتا برگزاری دیر هنگام انتخابات مشروط به شفافیت آن، بهتر از آن است که ننگ سلب حق مردم در تصمیم‌گیری سیاسی با نام آن‌ها همراه شود.

اعتراض قربانیان جنگ حملات توپخانه‌ی پاکستان را پایان دهید!

و چمن از سوی پاکستان، اثر اندکی در بهای میوه‌های تازه و سبزیجات در بازارهای افغانستان گذاشته است.

صیام پسرلی، سخن‌گوی این اتاق به سلام‌وطندار گفته است که اکنون فصل صادرات میوه‌های پاکستان به افغانستان و آسیای میانه است و به این دلیل، بیشترین زیان را بخش خصوصی پاکستان متحمل می‌شود.

او گفته است بسته‌شدن مرزهای تورخم و چمن از سوی پاکستان این بار روی بهای مواد خوراکی اثری نداشته است، چون افغانستان راه‌های بدیل واردات کالاهای بازرگانی از مسیر آسیای میانه و بندر چابهار ایران را در اختیار دارد. در همین حال شماری از بازرگانان و دکانداران شهر کابل به رسانه‌ها گفته‌اند پس از هشت روز بسته بودن مرزهای تورخم و چمن، تنها در بهای سبزیجات و میوه‌هایی که از پاکستان وارد می‌شوند، افزایش آمده است.

اطلاعات روز: صدها معلول در اعتراض به پرتاب راکت از خاک پاکستان به مناطق مرزی کشور و مسدود شدن مرز میان دو کشور از کابل به‌سوی مرز تورخم راهپیمایی کردند.

شماری از این معترضان صبح روز شنبه از کابل با موتر حرکت کردند و شمار دیگر در شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، به آن‌ها پیوستند تا در مرز تورخم تجمع کنند.

معترضان از پاکستان، افغانستان و جامعه‌ی جهانی خواسته‌اند که برای توقف راکت‌پراکنی‌ها، باز شدن مرزها و بهبود روابط میان کابل و اسلام‌آباد اقدام کنند.

این افراد پس از آن دست به اعتراض می‌زنند که به‌دنبال حمله‌ی انتحاری در ایالت سند، پاکستان مرز تورخم و سپین بولدک را برای هرگونه عبور و مرور بسته است.

در همین حال مسئولان اتاق تجارت و صنایع کشور گفته‌اند که بسته شدن مرزهای تورخم

یک فرمانده پولیس و همسرش و ۹ سرباز در ولایت جوزجان کشته شدند

اطلاعات روز: رضا غفوری، سخن‌گوی والی جوزجان گفته است که یک فرمانده پولیس و همسرش و ۹ تن از افراد تحت امرش از سوی افراد منسوب به گروه داعش کشته‌شده‌اند.

او گفته است روز شنبه، ۷ حوت، شاه محمود در منطقه‌ی درزاب پس از نماز جمعه زمانی که با ۹ مامور پولیس محلی تحت امرش از مسجد بیرون شد، افراد وابسته به داعش به سوی آنان شلیک کرده و آنان را کشتند.

پس از آن همسر این فرمانده پولیس خود را روی جسد شوهرش انداخته اما افراد وابسته به داعش او را نیز تیر باران کرده‌اند.

سخن‌گوی والی جوزجان به رسانه‌ها گفته است که پس از وقوع این رویداد بین نیروهای امنیتی و افراد داعش درگیری شدیدی در گرفت که تا روز شنبه ادامه پیدا

کرد. تاکنون اطلاع دقیقی از تلفات ناشی از این درگیری روشن نیست.

رضا غفوری گفته است که در این مورد گروه طالبان نیز در کنار افراد وابسته به داعش با نیروهای امنیتی مشغول نبرد شده‌اند.

با آن‌که سخن‌گوی والی فاریاب این حمله را به افراد داعش نسبت می‌دهد اما ذبیح الله مجاهد که خود را سخنگوی گروه طالبان معرفی می‌کند، در توییتی نوشته است که عصر روز جمعه منطقه‌ی سردره مربوط ولسوالی به تصرف آنان در آمده و دو فرماندان (شاه محمد و نعیم) با ۸ سرباز اربکی کشته شده‌اند.

این حمله درحالی صورت می‌گیرد که پیش از این نیز منابع دولتی از نفوذ گروه‌های شورشی در ولایت جوزجان خبر داده بودند.

وزارت دفاع: ۵۰ دهشت‌افکن به شمول ۴۷ داعشی کشته شدند

اطلاعات روز: وزارت دفاع ملی می‌گوید در ۲۴ ساعت گذشته ۵۰ دهشت‌افکن به شمول ۴۷ عضو داعش کشته و ۲۵ داعشی دیگر زخمی شده‌اند.

این وزارت روز شنبه با نشر خبرنامه‌ی گفته است که این دهشت‌افکنان در نتیجه‌ی عملیات نیروهای ملی دفاعی و امنیتی در مربوطات ولایات ننگرهار، کاپیسا، قندهار، تخار، بغلان و هلمند کشته و زخمی شده‌اند.

براساس خبرنامه‌ی این وزارت، در عملیاتی که در مربوطات ولسوالی‌های ده‌بالا و کوت ولایت ننگرهار راه‌اندازی شده بود، ۴۷ داعشی به شمول ۶ تن از سرکرده‌های آن‌ها به‌نام‌های

اصابت هاوان در مکتبی در لغمان دو کشته و پنج زخمی به جا گذاشت

اطلاعات روز: وزارت معارف می‌گوید در نتیجه‌ی اصابت یک فیر مرمی هاوان در یک صنف درسی در ولایت لغمان، دو شاگرد مکتب کشته و پنج شاگرد و یک معلم دیگر زخمی شده‌اند.

وزارت معارف به روز شنبه با نشر پیام تسلیت، گفته است که حوالی ساعت ده روز شنبه، ۷ حوت تسل ولد فضل الرحمان و اول خان ولد انزرگل در نتیجه‌ی اصابت مرمی هاوان به لیسه‌ی شهید مولوی حبیب الرحمان شهر مهترلام بابا در ولایت لغمان کشته شده‌اند.

عرفان الله ولد عبدالرحمن، الهام ولد شفیق الله، شیرمحمد ولد غلام محمد، حشمت الله ولد غلام سخی و جواد ولد خدایداد و یک معلم به نام فریدالله ولد محمد الله در این رویداد زخمی شده‌اند.

وزارت معارف در پیامش گفته که مکاتب و مدارس مهد آموزش علم و خداشناسی است. این وزارت از مردم، علمای دینی، موسفیدان و به‌ویژه طرف‌های درگیر جنگ خواسته است تا در حراست از جان و مال معلمان و متعلمان جد و جهد مضاعف نمایند.

هرچند این وزارت عواملان این رویداد را مشخص نکرده است اما طالبان پرتاب هاوان بر این مکتب را رد کرده و گفته است که مردم منطقه واقمیت را از نزدیک دیده‌اند. طالبان این رویداد را جنایت خوانده و گفته‌اند که در حمله بر این مکتب یک خانم و دو شاگرد کشته و ۹ تن دیگر زخمی شده‌اند.

۱۲ هزار پناهجو در انتظار بازگشت از آلمان

اطلاعات روز: روزنامه‌ی آلمانی «ولت ام زونتگ» اطلاعاتی را منتشر کرده است که نشان می‌دهد در آن رقم پناهجویانی که قرار است به افغانستان بازگردانده شوند، به بیش از ۱۲ هزار نفر می‌رسد.

این روزنامه نوشته است که تا اخیر ماه جنوری سال روان آمار پناهجویانی که قرار است برگردانده شوند، به ۱۲۵۸۱ نفر رسیده که از این میان ۲۱۳۳ متقاضی پناهندگی پاسخ قاطع دریافت کرده‌اند.

به نقل از دویچه‌وله، روزنامه‌ی «ولت ام زونتگ» با استناد به یافته‌هایش از اداره‌ی فدرال مهاجرت و پناهندگان نوشته است که متباقی این افراد به دلیل موجودیت موانع اخراج، برگه تحمل «دولدونگ» یا سند تعویق اخراج در دست دارند.

همچنان مصاب بودن افراد به مریضی شدید، افراد زیر سن و نبود مدارک کافی برای اثبات هویت افراد از دیگر دلایلی است که این افراد از فرستاده شدن زود هنگام بازداشته شده‌اند.

این گزارش درحالی منتشر می‌شود که به روز چهارشنبه هفته‌ی گفته یکی از پروازهای جنجال‌برانگیز اخراج گروهی پناهجویان از میدان هوایی مونشن آلمان به کابل صورت گرفت. در این پرواز که قرار بود ۵۰ پناهجو دوباره به افغانستان بازگردانده شوند، تنها نیمی از این افراد در دسترس قرار گرفتند و شماری از این پناهجویان پنهان شدند.

سخن‌گوی وزارت داخله‌ی آلمان گفته است که در تازه‌ترین پرواز قرار بود پنجاه پناهجوی افغان که پرونده‌های‌شان جواب رد دریافت کرده بودند، ۱۸ پناهجو در این پرواز به کابل فرستاده شدند.

روزنامه‌ی آلمانی «ولت ام زونتگ» هم نوشته است که در سال گذشته‌ی میلادی ۶۷ پناهجوی افغان از آلمان به افغانستان فرستاده شده‌اند.

در سال ۲۰۱۶ در مجموع ۱۲۷ هزار پناهجوی افغان از آلمان درخواست پناهندگی کرده‌اند. بر بنیاد «کنوانسیون ژنیو» بیست درصد این پناهجویان توانستند پاسخ مثبت دریافت کنند. متباقی بیش از ۳۵ درصد دیگر آنان از خدمات حمایتی دیگر برخوردار شدند.

سوی نورالله به خانم‌اش، یکی از دلایل کشته شدن وژمه از سوی شوهرش است.»

این فرد هفت ماه پیش خانم خود را در مکروریان کابل به قتل رسانده بود.

میرویس، برادر مقتول هم گفته است: «وقتی که نورالله شب در خانه‌ی ما بود، به همسرش گفت که با هم صحبت می‌کنیم، اما همسرش هنگامی‌که می‌خواهد از اتاق بیرون شود، بر او فیر می‌کند و با سه فیر مرمی، کودکش هم از بین می‌رود و خودش هم.»

در همین جلسه دادگاه فیصله کرد تا مسئولان حوزه‌ی نهم امنیتی پولیس کابل به علت تسلیم نکردن اسلحه‌ی قاتل، تحت پیگرد عدلی و قضایی قرار بگیرند.

اعدام

نتیجه‌ی محکمه‌ی مردی که همسرش را کشته بود

اطلاعات روز: دادگاه استیناف کابل مردی را که همسر باردارش را هفت ماه پیش در شهر کابل به قتل رسانده بود، به اعدام محکوم کرد.

معراج‌الدین معراج، رییس دادگاه استیناف کابل در جلسه‌ی علنی دادگاه به روز شنبه خطاب به متهم گفت در قضیه‌ی قتل وژمه خانم‌ات و از بین بردن حمل موصوف، براساس هدایت فقره‌ی دوم ماده‌ی بیست‌ودوم قانون منع خشونت در برابر زنان و رعایت فقره‌ی هفتم ماده‌ی ۳۹۵ قانون جزا به اشد مجازات، یعنی اعدام، محکوم به مجازات نمودیم.

پیشتر دادگاه ابتدایی‌ی کابل نیز نورالله را به جرم قتل خانمش به اعدام محکوم کرده بود. عییدالله سمسور، دادستان پرونده هم گفت: «اعتراف صریح متهم رویداد مبنی بر سه فیر از

ترامپ و تروریسم

راهبرد امریکا پس از داعش

فارین افروز / پیترو فیورو و هال برنندز ■ ترجمه: حمید مهدوی ■ بخش چهارم و پایانی



به قیمت دیگر مسایل حیاتی مانند تغییر آب و هوا، ظهور چین و روسیه انتقامجو؛ خطر تحریف راهبرد کلان ایالات متحده را به همراه دارد. علاوه بر آن، سرمایه‌گذاری بیشتر در این بازی دیگر کشورها را به سواری مجانی بر تلاش‌های ایالات متحده تشویق خواهد کرد. سرانجام، راهبردی که بر مداخلات کلان نظامی در شرق میانه متکی است برانگیختن تمام نتایج ناخواسته‌ی منفی را که با حضور اندک از آن خودداری خواهد شد، خطر می‌کند. تروریستان بر نیروهای امریکایی که حضور آن‌ها در شرق میانه به شعار جهادبان مبنی بر جنگ صلیبی ایالات متحده علیه مسلمان اعتبار می‌دهد، حمله خواهند کرد. پس از آن، جاذبه‌ی راهبرد افزایش بسیار و ناگهان نیروها هرچه باشد، این راهبرد با موانع دلهره‌آور و احتمالاً غیرقابل عبور بر خواهد خورد. در آن صورت، جای تعجب نیست که هیچ‌یک از نامزدان برجسته در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ از گزینه‌های نزدیک به این گزینه حمایت نکردند و ترامپ به صراحت این نوع ملت‌سازی را از برنامه‌هایش خارج ساخته است.

حرکت در مسیر فعلی

تراژدی جنگ ایالات متحده با تروریسم این است که هیچ راه‌حل روشنی ندارد. هریک از چهار گزینه اصلی برای جنگ با تروریسم معایبی دارد که در برخی از موارد فلج‌کننده‌اند. اما ایالات متحده باید یک راهبرد داشته باشد. پس باید کدام‌یک را انتخاب کند؟ مقام‌های امریکایی باید از دو گزینه مفراطی، عدم مداخله و افزایش بسیار و ناگهانی سربازان، به دلایل عملی منصرف شود. عدم مداخله، خطر خانه‌ی بر فرضیه‌ی آزمایش‌نشده‌ی «خروج»، به‌طور قابل توجهی از تهدید تروریسم خواهد کاست» را به همراه خواهد داشت که اگر نادرست ثابت شود، ایالات متحده را به‌طور وحشتناکی آسیب‌پذیر خواهد کرد. چند سیاستمدار محتاط حرفه‌ی‌شان را در چنین قماری به خطر خواهند انداخت. عملی ساختن رویکرد افزایش بسیار و ناگهانی نیروها، به نوبت خود، بسیار دشوار خواهد بود و به دلیل هزینه‌ی به‌شدت بالای آن، سیاستمداران احتمالاً استقامت ادامه دادن آن را نخواهند داشت.

با این وجود، دو گزینه میانی می‌مانند: حضور اندک و مزیت ضد داعش. از جمله این دو، اولی سابقه‌ی کثیفی دارد، چون آخرین باری که این راهبرد بر سیاست ایالات متحده مسلط شد، داعش ظهور کرد و موقعیت ایالات متحده به‌طور دراماتیکی رو به زوال گذاشت. به‌کار بستن آن خطر آغاز چرخه‌ی بی‌پایان را به همراه خواهد داشت که در آن چرخه پا پس کشیدن ایالات متحده باعث تقویت این تهدید می‌شود و ایالات متحده را به دخالت دوباره در شرایط بدتر از قبل مجبور می‌کند.

بنابراین، آخرین راهبرد مزیت ضد داعش است. حقیقت دارد که این راهبرد مشکلات واقعی دارد و این خطر را به همراه دارد که با هزینه‌ی بیشتر، در مقایسه با رویکرد حضور اندک موثر واقع نشود. اما این راهبرد هر دو بار وقتی که حکومت بوش و حکومت اوباما به‌شدت آن را به‌کار بستند، موفقیت‌آمیز بود و اگر به‌صورت نظام‌مند دنبال شود، می‌تواند بدترین جنبه‌ی تهدید تروریستی را که موجودیت زمینه‌های پرورش حملاتی با تلفات گسترده است، از بین ببرد. هزینه‌ی انجام این کار تقریباً ناچیز است، اما یک ابرقدرت ثروتمند می‌تواند از پس آن برآید. برعلاوه، هرچند این رویکرد احتمالاً باعث عملکرد استثنایی شریکان ایالات متحده نمی‌شود، اما به آن‌ها کمک خواهد کرد برای محدود ساختن هزینه‌های ایالات متحده در درازمدت عملکرد خوبی داشته باشند. سرانجام، با وجود انتقادات سخت ترامپ از مبارزه‌ی حکومت اوباما علیه داعش، این رویکرد احتمالاً از لحاظ سیاسی بیشترین خریدار را دارد. در نتیجه، حکومت ترامپ باید این نوع راهبرد را که حکومت اوباما تا سال ۲۰۱۶ ساخته بود، راهنمایش قرار بدهد. این راهبرد کامل نیست و جنگ با تروریسم را به این زودی‌ها پایان نخواهد داد.

تراژدی جنگ ایالات متحده با تروریسم این است که هیچ راه‌حل روشنی ندارد. هریک از چهار گزینه اصلی برای جنگ با تروریسم معایبی دارد که در برخی از موارد فلج‌کننده‌اند. اما ایالات متحده باید یک راهبرد داشته باشد. پس باید کدام‌یک را انتخاب کند؟ مقام‌های امریکایی باید از دو گزینه مفراطی، عدم مداخله و افزایش بسیار و ناگهانی سربازان، به دلایل عملی منصرف شود. عدم مداخله، خطر خانه‌ی بر فرضیه‌ی آزمایش‌نشده‌ی «خروج»، به‌طور قابل توجهی از تهدید تروریسم خواهد کاست» را به همراه خواهد داشت که اگر نادرست ثابت شود، ایالات متحده را به‌طور وحشتناکی آسیب‌پذیر خواهد کرد. چند سیاستمدار محتاط حرفه‌ی‌شان را در چنین قماری به خطر خواهند انداخت. عملی ساختن رویکرد افزایش بسیار و ناگهانی نیروها، به نوبت خود، بسیار دشوار خواهد بود و به دلیل هزینه‌ی به‌شدت بالای آن، سیاستمداران احتمالاً استقامت ادامه دادن آن را نخواهند داشت.

از وقت صرف به ناکامی درازمدت می‌انجامد، بهتر است پیروزی قاطعانه یک‌بار امتحان شود، هرچند این کار هزینه‌ی بسیار بالایی دارد. اما این هزینه که باید برای چندین سال تحمل شود، دقیق مشکل این راهبرد است. دگرگون ساختن سیاست شرق میانه به‌طوری که ایالات متحده می‌خواهد، در هر شرایطی چالش بزرگی خواهد بود و بدون شوکی به بزرگی حملات یازدهم سپتامبر، حتی یک حکومت مصمم در ایالات متحده احتمالاً اراده‌ی سیاسی ادامه‌ی میزان مورد نیازی از هزینه‌ها و به‌کارگیری سربازان در طولانی‌مدت را نخواهد داشت. نتیجه، بدترین خواهد بود: ایالات متحده منابع گسترده‌ی را بدون تعهد لازم برای درک واقعیت این پروژه پیشاپیش سرمایه‌گذاری خواهد کرد. این تنها خطر نیست. افزایش بسیار و ناگهانی نیروها با ریختن منابع به پای مبارزه با تروریسم

تمام کشورهایی که مداخله کرده است، شرکت کند. جذابیت این گزینه در این است که، حداقل در تیوری، شانس پیروزی در جنگ با تروریسم را یک‌بار و برای همیشه فراهم می‌کند. این، انعکاس‌دهنده‌ی یک بینش بسیار مهم از جنگ عراق است. حتی اگر مقام‌های امریکایی با تهاجم به عراق اشتباه بزرگی انجام داده باشند، آن‌ها با متعهد شدن سرباز و منابع ناکافی برای بازسازی عراق و خارج ساختن شتابان سربازان امریکایی در سال ۲۰۰۱ که دستاوردهای به‌سختی به‌دست‌آمده‌ی سربازان امریکایی را به مخاطره انداخت، اشتباهی به همان بزرگی انجام دادند.

حمل چوب کلان

از آن‌جایی که اقدامات نیمه‌کاره و خروج پیش

این نکته به گزینه‌ی نهایی می‌انجامد، افزایش بسیار و ناگهانی [نیروها]. این امر مستلزم اعزام وسیع و میان‌مدت تا درازمدت نظامیان، از نظر اندازه شبیه افزایش ناگهانی ۱۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ سربازی که حکومت جورج دبلیو بوش در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به جنگ عراق متعهد شد، همراه با منابع متناسب اقتصادی، دیپلماتیکی و استخباراتی است. ایالات متحده نه تنها نابود کردن خطرناک‌ترین سازمان‌های تروریستی در هر کجایی که ظهور می‌کنند را هدف قرار خواهد داد، بلکه بازسازی چهره‌ی سیاسی شرق میانه را نیز هدف قرار خواهد داد. این راهبرد، شبیه گزینه‌های دوم و سوم، مبتنی بر تیوری‌ی است که بر اساس آن تروریسم در خاورمیانه نتیجه‌ی مستقیم گرایش ضد لیبرال در جهان اسلام است. اما فرض این تیوری بر آن است که ایالات متحده باید نه تنها علائم این مرض را درمان کند، بلکه خود آن را نیز علاج کند. در ادامه استدلال می‌شود که ناکامی در انجام این کار تضمین می‌کند که با شکست خوردن گروه‌های تروریستی قدیمی، گروه‌های جدید ظهور خواهند کرد. در دنیایی از استخبارات ناقص، اجازه‌ی بقا دادن به تهدیدهای جدید، خطر بی‌حفاظ گذاشتن امریکایی‌ها در معرض یک حمله‌ی فاجعه‌بار را به همراه دارد.

این تشخیص [مرض تروریسم]، یک پاسخ دو مرحله‌ی ری پیشنهاد می‌دهد. اول، هر سازمان تروریستی‌یی که توانایی دسترسی جهانی دارد با استفاده از هر روش مورد نیاز، از جمله عملیات‌های بزرگ نظامی شامل ده‌ها هزار سرباز، نابود شود. دوم، پویایی اجتماعی-سیاسی‌یی که ایدیولوژی جهادی را تحریک می‌کند، دگرگون شود. این کار نیازمند تسریع روند آزادسازی در جهان اسلام است، بنابراین ایالات متحده باید برای ریشه‌کن ساختن تروریسم، در ملت‌سازی و ترویج دموکراسی در

درباره‌ی وضعیت فعلی شرکت هوایی آریانا بگویید.

فروغ: در شرایطی که فعلاً شرکت هوایی آریانا قرار دارد، در طول تاریخ خود قرار نداشته است. یعنی در ۶۲ سال فعالیت بدون وقفه‌اش. دستاوردهایی که در یکی دو سال گذشته داشتیم، نه تنها در سطح شرکت هوایی آریانا بلکه در تاریخ هوانوردی افغانستان بی‌سابقه است. برای اولین بار است که در دو سال پی هم شرکت هوایی آریانا نفع خالص دارد. در بخش‌های تخنیک‌ی دستاوردهای بسیار قابل ملاحظه داریم که عبارت از C-check (چک عمومی طیارات) است و تاحال انجینیری آریانا دو بال طیاره‌اش را C-check نموده است. ما همچنان از لحاظ مدیریتی، تخنیک، ارایه خدمات، به وقت بودن پروازها و از همه مهم‌تر در بخش مالی در یک موفقیت بسیار خوب قرار داریم.

گزارش‌هایی مبنی بر مسایل مالی آریانا پیش از این منتشر شده است. در حال حاضر آیا این شرکت به خودکفایی مالی رسیده است؟

فروغ: ما عاید خالص داشته‌ایم. به این معنا که کل مصارف را از عواید خود آریانا تأمین کرده‌ایم. به‌علاوه‌ی آن یک مقدار عواید اضافه هم داریم. فعلاً بالاتر از خودکفایی هستیم. شرکت هوایی آریانا یک شرکت تجاری است و باید تمام مصارف خود را از درک عواید خودش بپردازد. سال گذشته در حدود چهارونیم میلیون دالر عاید داشته‌ایم.

جایگاه آریانا فعلاً در میان شرکت‌های هوایی فعال در کشور در چه سطحی قرار دارد؟

فروغ: این جایگاه می‌تواند تعریف شود، از لحاظ پروازها، از لحاظ به وقت بودن پروازها، امکانات تخنیک، امکانات مالی، مدیریتی، مصونیت پروازها و مسایل دیگر در موقیعت خوبی قرار داریم. از این لحاظ جایگاه ما در بخش مسایل مصونیت پروازها، مسایل مالی، مسایل مدیریتی، چک و تخنیک، مسایل انجینیری ما بسیار دست بالا داریم. جایگاه ما همیشه برتر بوده است. در حال حاضر آریانا یک افغانی هم از کسی قرضدار نیست، در حالیکه دیگر شرکت‌ها میلیون‌ها دالر قرضدار حکومت افغانستان استند.

۶۲ سال از فعالیت آریانا می‌گذرد. در طول این سال‌ها عمر طیاره‌ها زیاد شده است. در حال حاضر آیا آریانا تصمیم به خرید طیارات جدید دارد؟

فروغ: طیاراتی که ما استفاده می‌کنیم تاریخ انقضا ندارد، عبارت از بوئینگ و ایرباس. به شرط این‌که ترمیمات اساسی، تقسیم اوقاتی و غیر تقسیم اوقاتی، آن به شکل منظم و به وقت معین آن انجام شود.

اما چون آوازه‌ها و شایعات زیاد است، می‌خواهم بگویم که طیارات ما جوان‌تر از طیارات دیگر شرکت‌ها در داخل افغانستان است. اوسط سنی طیارات ما ۲۶ سال است در حالی که شرکت‌های دیگر طیارات ۳۳ ساله و ۳۰ را هم استفاده می‌کنند. به‌خاطر طیارات جدیدتر آریانا پلان پنج ساله‌ی را تکمیل کرده است. این پلان فعلاً در حال طی مراحل است. براساس این پلان قرار است پنج بال طیاره دیگر خریداری شود. دو بال طیاره‌ی کوچک که قابلیت پرواز در میدان‌های هوایی خورد مثل

بهترین شرایط خطوط هوایی آریانا در ۶۲ سال فعالیت بدون وقفه

گفت‌وگوی روزنامه‌ی اطلاعات روز با عبدالعلی فروغ، رییس تجارتي شرکت هوایی آریانا



و معیارات مقرر این کار را به‌خوبی انجام دادیم. ما حتا یک شکایت هم دریافت نکردیم.

در مورد چارتر طیارات بگویم که در دنیا تمام شرکت‌های هوایی بعضی طیارات چارتر دارند. مخصوصاً در فصل‌هایی که مسافرین یکبار زیاد می‌شود. مثلاً فصل‌های زیارتی، چون حج یا مراسم مذهبی-دینی.

در این فصل‌ها یکبار مراجعه در شرکت‌هایی هوایی زیاد می‌شود که در این شرایط اغلباً نیاز به طیارات کلان است، طیاراتی که ظرفیت زیاد داشته باشند، چون مارکیت هوایی افغانستان زیاد ترافیک ندارد و مسافر زیاد ندارد، از این خاطر شرکت‌هایی که در افغانستان فعالیت می‌کنند نمی‌توانند طیارات کلان را مسافر پُر کنند، ولی بیاد داشته باشیم که طیارات کلان هزینه‌ی زیادی می‌خواهند که شرکت‌های افغانی به‌دلیل نداشتن پروازهای به مضافه‌ی دور از مصارف بی‌حد و نبود مارکیت کافی به آن رنج می‌برند.

ایام حج و قشش بسیار کم است. یعنی در ۲۵ روز باید تمام ۲۴ یا ۳۰ هزار حاجی انتقال داده شود. در چنین مواردی است که به طیارات چارتر ضرورت می‌شود. این در جهان معمول است.

آریانا در رقابت با شرکت‌های خارجی در

بامیان و جوزجان را داشته باشد و سه بال طیاره‌ی متوسط که حداوسط پروازش کمتر از شش ساعت نباشد. چون فعلاً در مسیرهایی که پرواز می‌کنیم حداکثر پروازش پنج‌ونیم ساعت است. ما می‌خواهیم طیاراتی را بخریم که حداوسط پروازشان شش ساعت باشد.

گزارش‌هایی منتشر شد که آریانا در هنگام انتقال حجاج از بیرون طیاره به کرایه می‌گیرد. برای رفع این موضوع کدام برنامه‌ی روی دست است؟

فروغ: این سوال هم بسیار تخنیک‌ی است و هم بسیار مهم. آریانا یک ایرلاین ۶۲ ساله است. در طول ۶۲ سال گذشته اضافه‌تر از پنجاه سال حجاج محترم را به شکل انحصاری و فقط توسط خود آریانا انتقال داده به سعودی و در برگشت از سعودی به افغانستان. صرف یکی دو سه سال تعداد حجاج بین شرکت‌های هوایی داخلی تقسیم شدند. براساس معلوماتی که ما داریم مرجع واگذارکننده‌ی قرارداد که وزارت حج و اوقاف باشد، یک مقدار مشکل داشت به‌خاطری‌که کار از یک دست مدیریت نمی‌شد.

بعد از آن سال ۹۴ و ۹۵ ما به‌شکل انحصاری حجاج را انتقال دادیم. نه به وقت معین و نظر به شرایط

افغانستان چطور است؟

فروغ: نه تنها آریانا بلکه تمام شرکت‌های هوایی فعال در افغانستان از دیدگاه خود تلاش می‌کنند با شرکت‌های خارجی رقابت کنند اما شرکت‌های خارجی ممکن است ما را رقیب حساب نکنند. زیرا آنان غول‌های هوایی‌اند مثل ترکش ایرلاین. پس رقابت با این شرکت‌ها کار ساده‌ی نیست.

ضمناً با وجودی که پالیسی هوایی در افغانستان بسیار زیاد باز است، این پالیسی توانمندی رقابت شرکت‌های داخلی را در کل سلب می‌کند. اما با آنهم کوشش می‌کنیم و سهم خود را در مارکیت داریم.

درباره‌ی فعالیت‌های پیش‌رو و به‌ویژه سال آینده بگویید.

فروغ: خدمات چیزی است که باید همیشه روی آن فکر شود. زیرا توقع مردم روزانه بلند می‌رود. وقتی توقع بلند می‌رود، باید سطح و کیفیت خدمات هم بلند برود. کوشش می‌کنیم خدمات خود را زیادت‌ر بسازیم، پروازهای خود را بیشتر به‌وقت بسازیم و یکی دو سکتور نو را که تا به حال به آن‌جا پرواز نداریم در جریان سال معرفی خواهیم کرد.

در حال حاضر آریانا چند بال طیاره فعال دارد و روزانه چند پرواز؟

فروغ: فعلاً آریانا چهار بال طیاره فعال دارد که ملکیت خودش است. روزانه شش الی ده پرواز در ده مسیر داخلی و خارجی از سوی آریانا انجام می‌شود.

درباره‌ی حج سال آینده آریانا چه تصمیم دارد؟

فروغ: هرچند پروسه‌ی حج از سوی وزارت محترم حج اعلان شده است و شرکت‌های داخلی در این داوطلبی سهم گرفتند، اما ما در جلسه‌ی داوطلبی قیمت نادادیم و فی‌المجلس نسبت به این مسأله اعتراض شدید کردیم، به‌خاطریکه در بند دوم ماده‌ی ۱۶ قانون تدارکات واضح می‌گوید: «هر شرکتی که به دولت مقروضیت و یا کدام دعوی حقوقی بالافعل دیگر داشته باشد، نمی‌تواند در پروسه‌های تدارکاتی شرکت کند.» براساس همین ماده، شرکت‌های هوایی صافی و کام ایر واجد شرایط در اشتراک این داوطلبی نیستند و آریانا باید به عنوان یک منبع واحد مستحق قرارداد شناخته شود.

حالا موضوع به تدارکات ملی ارجاع شده است. آن‌جا فیصله شده است که «داوطلبی مقید فی مابین شرکت‌های داخلی صورت بگیرد، به شرطی که شرکت‌های داخلی برای پرداخت مالیات (اطاعت پذیری) داشته باشند. اما ما همه در عمل می‌بینم که آن شرکت‌های محترم از یکسو اطاعت پذیری نداشته‌اند و از سوی دیگر هم به وزارت مالیه و هم به ادارهی هوانوردی ملکی مقروض استند و در ضمن با آریانا هم دعوی حقوقی دارند. یعنی هم‌زمان با دولت منازعه حقوقی دارند، چون آریانا هم کاملاً یک شرکت دولتی است. از این نگاه، شرکت‌های کام ایر و صافی مطابق حکم قانون تدارکات ملی و شرطنامه‌ی معیاری آن، به هیچ وجه واجد شرایط شناخته نمی‌شوند و ما امیدواریم که حکومت وحدت ملی با روحیه قانون‌پذیری مواد قانون را در نظر بگیرد و آن را تطبیق کند.

نیروهای امنیتی و آزمون حیاتی بقای نظام

عرفان مهران

در سال پیش‌رو، احتمال جنگ‌های گسترده‌تر در کشور متصور است. برنامه‌های صلح به نتایج ملموسی دست نیافته و طالبان همچنان برجنگ پافشاری دارند. علاوه بر طالبان، داعش در طول سال جاری توانسته است در بخش‌هایی از کشور نفوذ خود را حفظ کند و حملات مرگباری را علیه مردم به راه اندازد. شبکه‌ی حقانی، گروه‌های مافیایی، جنگجویان وابسته به القاعده و عناصر رادیکال خارجی، از دیگر گروه‌هایی‌اند که در افغانستان فعال‌اند. نیروهای امنیتی افغانستان باید در سال‌های آینده همچنان با این عناصر بجنگند و چندین جبهه را در نبرد با این گروه‌ها در بخش‌های مختلف کشور بگشایند.

این جنگ‌ها، برای آینده‌ی افغانستان از اهمیت اساسی برخوردار است و در صورتی که نیروهای امنیتی افغانستان بتوانند بر این گروه‌ها غلبه پیدا کنند، ثبات افغانستان تضمین خواهد شد و ساختارهای امنیتی هم در جامعه به‌مثابه‌ی تنها مرجع مشروعیت استفاده از قدرت نظامی نهادینه خواهد شد، اما اگر این اتفاق نیافتد تداوم جنگ ممکن است سرنوشت متفاوتی را در کشور رقم بزنند. رییس‌جمهور غنی

نیروهای امنیتی افغانستان در شرایط بسیار حساسی قرار دارند. علی‌رغم بسیاری از مشکلات، چشم امید همه به سوی این نیروهای دوخته شده و بدون شک بقای نظام و ثبات در کشور بستگی به نقش و عملکرد آنان دارد. پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان و تکمیل روند انتقال مسئولیت‌های امنیتی به این نیروها، فشار اصلی حفظ ثبات نیم‌پند کنونی را این نیروها متحمل شده‌اند.

در پایان سال ۲۰۱۴؛ زمانی که این نیروها مسئولیت کامل تأمین امنیت افغانستان را عهده‌دار شدند، نگرانی‌های زیادی در میان مردم شکل گرفته بود. این نگرانی‌ها فراتر از آن بود که تصور می‌شد و فضای ترس و نگرانی از سقوط نظام و آغاز جنگ‌های جدید در کشور، بر افکار عمومی سنگینی می‌کرد. علی‌رغم جنگ‌های زیاد و تلفات سنگین نیروهای امنیتی، طالبان و دیگر گروه‌های مخالف مسلح دولت به اهداف استراتژیک خود دست نیافته‌اند. و این نیروها از بخش‌های عمده‌ی تحت کنترل خود محافظت کرده‌اند، هرچند که نتوانسته‌اند مناطق تحت کنترل طالبان، داعش و دیگر گروه‌های تروریستی را تصرف کنند.

و ساختارهای ملی نگاه می‌کنند. این نقطه‌ی قوت برای نیروهای امنیتی است که حکومت باید در حفظ آن کوشش کند. بدون شک، حفظ محبوبیت موجود نیروهای امنیتی نیازمند آن است تا حکومت جلو دست‌اندازی گروه‌های سیاسی را از نفوذ در میان نیروهای امنیتی کوتاه کند و نگذارد اختلافات سیاسی و مطالبات گروهی و شخصی، به درون نیروهای امنیتی نفوذ کند. در صورت عدم موفقیت حکومت در این امر، نیروهای امنیتی بیشتر از پیش آسیب خواهند دید.

فساد گسترده در ساختارهای امنیتی، از سال‌ها پیش مورد توجه عموم بوده است. به‌رغم اقدامات گسترده نه حکومت پیشین و نه حکومت کنونی نتوانسته است دست مفسدان را از غذا، امکانات و بودجه‌ی نهادهای امنیتی کوتاه کند. اساساً اراده‌ی جدی در این کار دیده نمی‌شود. رییس‌جمهور غنی بارها وعده‌ی این کار را به مردم داده است، اما بسیاری از اقدامات او در نهادهای امنیتی با نقد جدی به‌همراه است. یکی از این انتقادات متوجه گزینش افراد در رهبری نهادهای امنیتی است که باعث ناخرسندی‌های جدی در جامعه گردیده است. فساد گسترده هم به‌لحاظ رهبری و هم به‌لحاظ تدارکاتی نیروهای امنیتی را در جبهات جنگ متضرر ساخته است. این مسأله، سربازانی را که در خطوط مقدم نبرد در نقاط دوردست کشور اند، در معرض فشار شدیدی قرار داده و چه‌بسا که باعث دلزدگی و بی‌رغبتی آنان در اجرای وظایف‌شان گردیده است.

چندی پیش در مراسم فراغت افسران ارتش ملی از دانشگاه نظامی مارشال محمد قسیم فهم گفته بود که موازنه‌ی جنگ در جبهات به نفع نیروهای امنیتی افغانستان در حال تغییر است. این خیر خوشی است، اما هنوز واقعاً مشخص نیست. با توجه به شمار گسترده‌ی گروه‌های فعال در کشور و گسترش دامنه‌ی تحرکات آنان به‌خصوص در فصل‌های بهار و تابستان پیش‌رو، مشخص نیست این وضعیت حفظ خواهد شد یا فشار بر نیروهای امنیتی افزایش خواهد یافت.

در طول سه سال اخیر، رقم تلفات نیروهای امنیتی به‌شکل بی‌پیشینه‌ی افزایش یافته است. به‌تبع این، رقم فرار از این نیروها نیز بالا بوده است که با جمع هر دو، سالانه هزاران نفر از بدنه‌ی نیروهای امنیتی جدا می‌شوند، در حالی‌که دولت برای جایگزینی آنان با مشکل جدی روبه‌رو می‌باشد. طبیعی است اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، امکان جلب‌وجذب نیروهای بیشتر به صفوف نیروهای امنیتی کاهش خواهد یافت و این روند کسر جدی‌یی را در رقم نفقات ارتش، پولیس و نیروهای امنیت ملی به‌وجود خواهد آورد. اگر دولت نتواند این خلاء را پر کند، قطعاً روند رو به نقصان آن، وضعیت را به ضرر نیروهای امنیتی تغییر خواهد داد. در حال حاضر، علی‌رغم مداخلات سیاسی و دست‌اندازی گروه‌های فعال سیاسی، نیروهای امنیتی هنوز وجهه‌ی اصلی خود را حفظ کرده‌اند و افکار عمومی نسبت به این نیروها به چشم نهادهای

پایان «همبستگی ملی» آغاز «میثاق شہروندی»

■ الیاس نواندیش

چهارده سال پیش روستاهای افغانستان نه سیمای امروزی را داشتند و نه از تسهیلات ابتدایی زندگی برخوردار بودند. همه جا ویرانی بود و زیربناهای زراعتی تخریب شده بود. دولت افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی به خاطر احیا و انکشاف زیربناها، ارایه‌ی خدمات به روستاییان، تغییر در زندگی مردم و فقرزدایی برنامه‌ی «همبستگی ملی» را طرح کرد.

طرح و تطبیق این برنامه بر مبنای پروسه‌یی که تا آن زمان در کشور امتحان نشده بود، آغاز یافت. یعنی تطبیق، پلان‌گذاری و عملی کردن پروژه‌ها و اولویت‌های پروژه‌ها توسط مردم تمرینی بود که پیش از این تجربه نشده بود. مردم تصور نمی‌کردند روزی این برنامه‌ی بزرگ ملی موفقانه به پایان برسد و اهدافی که برای آن تعیین شده بود، به دست بیاید. چهارده سال بعد اما این برنامه‌ی ملی نه تنها موفقانه تطبیق و عملی گردید بلکه بانک جهانی برنامه‌ی همبستگی ملی را «موفق‌ترین برنامه در افغانستان و منطقه» ارزیابی کرد.

برنامه‌ی همبستگی ملی پس از چهارده سال فعالیت، به روز شنبه، هفتم حوت رسماً خاتمه یافت و جایش را به برنامه‌ی ملی دیگری زیر نام «میثاق شہروندی» داد. اکنون کاری که چهارده سال برنامه‌ی همبستگی ملی انجام داد، به شکل گسترده‌تر و با در نظر داشت تجربه‌هایی که از آن به دست آمد، میثاق شہروندی می‌رود تا عهده‌دار انکشاف و پیشرفت در افغانستان گردد.

همبستگی ملی چه کارهایی را انجام داد؟

نصیر احمد درانی، وزیر احیا و انکشاف دهات به روز شنبه، هفتم حوت با حضورداشت نمایندگان نهادهای کمک‌کننده‌ی برنامه‌ی همبستگی ملی گفت این برنامه با مصرف کردن ۱،۵ میلیارد دالر امریکایی توانست ۸۶ هزار پروژه‌ی انکشافی را در ۳۴ ولایت کشور موفقانه به پایان برساند. برنامه‌ی همبستگی ملی ۳۵ هزار شورا محلی را از طریق انتخابات آزاد به وجود آورد و این شوراها را قادر ساخت تا خودشان پلان‌گذاری کرده بتوانند، اولویت‌های‌شان را انتخاب و پروژه‌ها را تطبیق کنند.

به گفته‌ی آقای درانی تقریباً ۷۰ درصد تمام بودجه‌ی برنامه‌ی همبستگی ملی از طریق همین شوراها به مصرف رسید و این باعث شد کشورهای دوست افغانستان به افغانستان اعتماد کنند و این که پول‌شان به روستاهای افغانستان می‌رسد.

برنامه‌ی همبستگی ملی با آن موفقیتی که در افغانستان تطبیق شد دیگر نه در افغانستان، نه در کشورهای منطقه و نه در جهان دیده می‌شود. شش هزار پروژه‌ی همبستگی ملی در طول چهارده سال با مشکل مواجه گردید و در مناطقی که ناامن بود، تطبیق نشد.

نتایج برنامه‌ی همبستگی ملی

وزیر احیا و انکشاف دهات در مراسم اختتامیه‌ی برنامه‌ی همبستگی ملی گفت این برنامه در طول چهارده سال ۵۳ هزار کیلومتر سرک روستایی را اعمار کرد و ۱۰۰ هزار منبع آب آشامیدنی ایجاد کرد.

اکبر رستمی، سخن‌گوی وزارت احیا و انکشاف دهات نیز به روزنامه‌ی اطلاعات روز گفت ۲۳۸۴۷ پروژه در بخش سرک به ارزش ۲۴ میلیارد و ۶۱۰ میلیون افغانی در سراسر کشور تطبیق شده است و ۲۰۴۵۳ پروژه در بخش آب‌آشامیدنی و حفظ‌الصحه به ارزش ۱۶ میلیارد و ۴۱۸ میلیون افغانی.

برنامه‌ی همبستگی ملی ۱۰۰ هزار کیلووات برق آبی و سولری تولید کرد و ۶۶۵۶ صنف درسی، صدها سالن اجتماعی، کلینیک و شفاخانه اعمار کرد.

به گفته‌ی آقای درانی رسمی هزینه‌ی اعمار صنوف درسی بیش از ۳،۳۳۲ میلیارد افغانی و هزینه‌ی تطبیق ۲۴۹ پروژه در بخش صحت بیش از ۳۰۳ میلیون افغانی گردیده است. همچنان تطبیق ۸۰۵۵ پروژه در بخش تولید برق ۹ میلیارد و ۵۵۸ میلیون افغانی هزینه برداشته است.

آقای درانی همچنان گفت: «بالاخره در نتیجه‌ی احیا و اعمار زیربناهای زراعتی بیشتر از یک میلیون هکتار زمین تحت زراعت و آبیاری و قرار گرفت»

برنامه‌ی همبستگی ملی در بخش آبیاری ۱۸۷۶۳ پروژه تطبیق کرده است که هزینه‌ی آن ۱۷،۶ میلیارد افغانی گردیده است. همچنان در بخش زراعت ۱۸ پروژه را به ارزش بیش از ۳ میلیون افغانی در سراسر کشور تطبیق کرده است.

علاوه بر این در بخش انکشاف دهات برنامه‌ی همبستگی ملی ۵۵۲۲ پروژه را به ارزش ۶،۱ میلیون افغانی به مصرف رسانده است.

به گفته‌ی اکبر رستمی با تطبیق پروژه‌های همبستگی ملی در طی چهارده سال ۸۵ درصد روستاهای افغانستان تحت پوشش قرار گرفته و میزان دسترسی مردم به آب‌آشامیدنی هم به ۵۹ درصد رسیده است.

استف نذیکو، رییس عملیاتی بانک جهانی نیز در برنامه‌ی اختتامیه‌ی برنامه‌ی همبستگی ملی گفت این برنامه تأثیرات مثبتی بر زندگی مردم افغانستان داشته است.

او گفت بانک جهانی ادامه‌ی همکاری‌های را خود را با حکومت افغانستان اعلام می‌کند و علاقمند است در برنامه‌ی میثاق شہروندی نیز در افغانستان سهم بگیرد.

برنامه‌ی همبستگی ملی همچنان حکومتداری خوب را تقویت کرده، اعتماد میان دولت و ملت را افزایش داده و زنان را در بازسازی و نوسازی افغانستان سهیم ساخته است.

پس از چهارده سال برنامه‌ی همبستگی ملی با دستاورهای قابل ملاحظه‌یی خاتمه یافت و مرحله‌ی اول برنامه‌ی بزرگ بین‌وزارتی «میثاق شہروندی» آغاز یافت.

میثاق شہروندی چیست؟

برنامه‌ی میثاق شہروندی برای ده سال، ۲۰۱۶ الی ۲۰۲۶، برای ارایه‌ی شش خدمت اساسی به روستاها و شهرها طرح‌ریزی شده است که تمویل‌کننده‌ی آن حکومت افغانستان و بانک جهانی می‌باشد.

نصیر احمد درانی، وزیر احیا و انکشاف دهات گفت برنامه‌ی میثاق شہروندی توسط افغان‌ها به همکاری تکنیکی بانک جهانی در مدت شش ماه

طرح و دیزاین شد. آقای درانی گفت طرح برنامه‌ی میثاق شہروندی بر مبنای چهار اصل صورت گرفته است. یکم، بر مبنای ماده‌ی چهارم قانون اساسی کشور که حقوق شہروندی را تضمین می‌کند؛ دوم، بر اساس دید و تعهد رییس‌جمهور در کنفرانس لندن؛

سوم، ارایه‌ی خدمات بر اساس درخواست مردم که در جلسه‌ی مشورتی شورای انکشافی پیشنهاد شد؛

چهارم، درسی که از برنامه‌ی همبستگی ملی آموخته شد، نقاط ضعف آن حذف و بالای نقاط قوت آن سرمایه‌گذاری شد.

این برنامه به تاریخ چهارم میزان سال جاری با حضور رهبران حکومت وحدت ملی افتتاح شده بود.

قرار است این برنامه در سه مرحله تطبیق شود. مرحله‌ی اول از اکتوبر ۲۰۱۶ شروع و تا ۲۰۲۰ جمعاً ۱۲۰۰۰ قریه در یک ۱۱۷ ولسوالی مربوط ۳۴ ولایت عملی می‌شود. هزینه‌ی این مرحله ۹۱۰ میلیون دالر در نظر گرفته شده است که از این مبلغ ۶۳۰ میلیون دالر عملاً موجود است. در مرحله‌ی دوم از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ نیز بیش از ۱۲۰۰۰ قریه تحت پوشش قرار می‌گیرد. در مرحله‌ی سوم که تا ۲۰۲۶ ادامه پیدا می‌کند جمعاً به‌شمول مرحله‌ی اول و دوم که شامل ۳۶ هزار قریه می‌شود، تحت پوشش این برنامه قرار خواهد گرفت.

تفاوت‌های میثاق شہروندی با همبستگی ملی

وزیر احیا و انکشاف دهات گفت در نخست میثاق شہروندی وسیع‌تر است. یعنی در برگیرنده‌ی شهر و دهات می‌باشد؛ ارتباطی که سبب تحرک اقتصادی بین دهات و شهر خواهد شد. در قدم دوم میثاق شہروندی یک برنامه‌ی بین‌وزارتی است که در آن چندین وزارت‌خانه سهم دارد، بنابراین مسئولیت شورای انکشافی بیشتر شده است.

آقای درانی گفت: «یعنی حکومت بعد از این خدمات خود را از طریق همین شوراها ارایه می‌کند.»

برنامه‌ی میثاق شہروندی خدماتی را در بخش صحت، تعلیم و تربیه، زراعت، انرژی برق و ترویج و میکائیزه شدن زراعت و سرک ارایه می‌کند.

در کنار این، سه خدمات اساسی از سوی این برنامه ارایه می‌شود: صحت، تعلیم و تربیت و آب آشامیدنی با در نظر داشت حداقل معیارهای تضمین شده.

تفاوت دیگر برنامه‌ی میثاق شہروندی با برنامه‌ی همبستگی ملی در این است که این بار شمولیت عودت‌کنندگان، بیجاشدگان و کوچی‌ها با ایجاد شوراها، جداگانه و ارایه‌ی خدمات برای آنان در نظر گرفته شده است.

آقای درانی گفت فرق دیگر برنامه‌ی میثاق شہروندی با برنامه‌ی همبستگی در این است که این بار در سطح ولسوالی‌ها نیز برنامه‌ی میثاق شہروندی دفتر خواهد داشت در حالی که قبلاً تنها برنامه‌ی همبستگی ملی در سطح ولایات دفتر داشت.



چهلک

سخن‌سازان

تاریخ شناور

اسطوره همان تاریخ شناور است یا حداقل آن ماده‌یی که تاریخ را شناور می‌کند. تاریخ هر سرزمین سلسله‌ی مشخصی از رویدادهاست و اگر صد تاریخ‌نگار آن را به صد گونه بنویسند، هیچ تغییری در این واقعیت نمی‌آید که سرگذشت آن سرزمین یک نسخه بیش ندارد. اگر سه هزار سال پیش در مصر پادشاهی را پسرش با فلان معجون کشنده به قتل رسانده باشد، به نیت آن که خود شاه شود، هر روایت دیگری از این واقعه (سکنه‌ی قلبی شاه، توطئه‌ی وزیر جنگ او، افتادن شاه از اسب، گرفتار شدن او به بیماری وبا، خودکشی، به دار کشیده شدن پادشاه به دست رقیبان...) غلط خواهد بود.

روایت‌های غلط یا متنوع از رویدادی که فقط می‌توانسته به یک شکل رخ بدهد و نه بیشتر، تاریخ را لزان می‌کنند. اما در میان روایت‌های «غلط» گونه‌یی خاص از «غلط» هست که تاریخ را شناور می‌سازد. به این معنا که به روایت تاریخی اجازه می‌دهد که از مرزهای متعارف و ممکن در سرگذشت آدمی بگذرد و عناصر و کنش‌ها و واکنش‌هایی در آن ممکن شوند که اساساً در زنده‌گی آدمی ممکن نیستند. اگر آن پادشاه مصری با معجون پسر خود به قتل رسیده باشد و ما گمان کنیم (از روی روایت‌های دیگر) که او به دار کشیده شده یا از اسب افتاده یا بیمار شده و جان خود را از دست داده، هنوز با روایتی ممکن از سرگذشتی ممکن برای آن پادشاه سروکار داریم. اما تصور کنید که مورخی بگوید آن پادشاه ابتدا از اسب افتاد و مرد و سپس، بعد از هفتاد سال، زنده شد و زمام سلطنت مصر را دوباره در دست گرفت. این‌جا، تاریخ شناور می‌شود، مرزهای ممکن حیات آدمی را در می‌نوردد و جواز به شکستن حدود مجاز روایت زنده‌گی آدمی می‌دهد. این‌جا وارد اسطوره می‌شویم یا به اسطوره رخصت می‌دهیم که وارد زنده‌گی ما شود.

تا این‌جا اتفاق غریبی نیفتاده. قصه‌ی سرگذشت انسان پر است از اساطیر. آنچه آدم را تکان می‌دهد شکل گرفتن اسطوره در پیش چشم آدم است. قبلاً بر رویدادها و سرگذشت‌ها بسیار زمان می‌گذشت تا با مایه‌هایی از اسطوره در می‌آمیزند. امروز وارد عصری شده‌ایم که اسطوره‌ها در برابر نگاه‌های حیرت‌زده‌ی آدم جان می‌گیرند و راه می‌افتند و تاریخ همین اکنون و همین امروز را شناور می‌کنند. نه در همه جا و همه فرهنگ‌ها. بیشتر در میان ما. یکی از این اسطوره‌ها این است که مرده‌گانی خوش‌نام و بلندآوازه‌یی در میان ما حی و حاضر اند و ما همین امروز از جلسه‌ی مشاورت با آنان برگشتیم و آنان به ما گفتند که خطا کدام است و صواب کدام. این مرده‌گان صریحاً دستور می‌دهند که چه کسی خودی است و باید اعزاز شود و چه کسی ناخودی/بیگانه است و باید طرد گردد و کی خاین است و کی خادم.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz	
6 Months	120\$ USD
Annual	200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها	
شش ماهه	۳۰۰۰ افغانی
یک ساله	۵۰۰۰ افغانی

برای متعلمین و محصلین	
شش ماهه	۲۰۰۰ افغانی
یک ساله	۴۰۰۰ افغانی

zaki.daryabi2@gmail.com

- ❖ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
- ❖ معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- ❖ سردبیر: خلیل پژواک
- ❖ دبیر خبر: عصمت الله سروش
- ❖ گزارشگر: الیاس نواندیش
- ❖ ویراستار: عمران راتب
- ❖ صفحه آرا: هادی دریابی
- ❖ بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- ❖ ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- ❖ آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
- ❖ شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
- ❖ مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲
- ❖ چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



برای این که سکوت من حمل بر بی‌سخنی نشود و هم التفات دوستان بی‌شمار شاعر و شعر دوست را که به نتیجه جشنواره (سید رضا و اطرافینش) معترض بودند، بی‌پاسخ گذاشته باشم، باید چند نکته را این‌جا بنویسم:

یک: کاربرد کلمه «اتحادیه» در باره این جریان دوستانه چند نفری، محل گفت‌وگو و درنگ است. برای این که واژه اتحادیه برآمده از درون ادبیات چپ است. اتحادیه نهاد محوری در نظام کارگری است. نهادی که کارگران و صنوف گوناگون در محور آن جمع می‌شوند. لذا اطلاق این کلمه بر یک جریان خودخوانده، به دور از سنجش و دقت لازم است. از معنای اتحادیه چنان استنباط می‌شود که تمام صنف نویسندگی زیر پوشش آن قرار بگیرد و چتری بر یک فعالیت همه‌گانی باشد. بنا بر این تعریف، این نهاد آن جامعیت و عمومیت را ندارد. اما تنها وجه نزدیک این اتحادیه با اتحادیه سابق آن است که از سوی دولت حمایت و شخص (مشاور امنیت ملی حکومت) پشتیبانی مالی می‌شود. در غیر صورت نه رییس آن در یک رای‌گیری همه‌شمول انتخاب شده است و نه اعضای این نهاد را کسی می‌شناسد.

دو: آیا کسی که تنها یکی دو سال است در افغانستان به شکل مشکوکی آمده است و تمام عمرش در ایران و غرب گذشته است، صلاحیت و توانایی آن را دارد که ده شاعر برتر ده سال اخیر را برگزیند؟ اگر دلیل بیاورند که داوران! کدام داوران؟ «برنا کریمی» در حضور شاعر تاثیرگذار و فرماندهی چون «پرتو نادری» با کدام جرئت و روی و سویه بر کرسی داوری می‌نشیند؟ من به عنوان عضو کوچکی از جریان شعر امروز افغانستان که ۲۶ سال از عمرم را در آن جا و سه سال را در غرب سپری کرده‌ام، به این جریان به عنوان نهادی ویرانگر می‌بینم و از آن‌جا که منابع مالی برنامه‌هایش ناروشن است، هیچ شکی ندارم که از سوی استخبارات کشور همسایه حمایت مالی شود. و هر اسم هم این است که جای ادبیات بی‌پروا و نترس ما را ادبیات کرنش و مدح مقامات خواهد گرفت. اگر لازم شد در باره رییس این نهاد و رابطه مشکوکش با مقامات و برنامه‌های ویرانگرش در پست‌های بعدی بیشتر می‌نویسم.

سه: اگر من مثل برخی از این دوستان جوان بر نتیجه‌ی چنین جشنواره غره می‌شدم، سال‌ها پیش، جشنواره‌ی در کابل با کش و فش بسیار و با حضور صدها فرهنگی و دانشجو در هتل کانتیننتال برگزار شد که برگزیده نخست آن من بودم. جشنواره‌ی که چند شبانه روز تمام شاعران معتبر افغانستان را در کابل جمع کرده بود. صد نفر شاعر از سرتاسر کشور اشتراک کرده بود و آثارشان از سوی نه شاعر شناخته‌شده از کشورهای فارسی‌زبان: ایران، تاجیکستان و افغانستان داوری می‌شد.

من نه تنها امروز آن را ملاک و معیار شاعری نمی‌دانم که از گذشته آن‌چنانی شرمسارم و شاید این بار هفتادم باشد که از خوانندگان شعرهایم پوزش خواسته‌ام. چهارم: من همچنان با گوش و گوشه آرام ساخته‌ام و همین امروز قرار است پنجمین مجموعه شعرم را به «انتشارات برگ» برای چاپ بفرستم. گرفتاری‌های دیگری دارم که ارزشمندتر از بررسی این جشنواره است. و آن نکته این است که برگزارکننده‌گان این جشنواره (جز شخص رضا) هیچ‌کدام، شعری، بی‌تی، مصرعی، ترکیبی یا حتی واژه‌ی در حافظه‌ی جمعی ما ندارند. این‌ها جشنواره را فرصتی شمردند که عقده‌های حقارت چندین ساله را در برابر هم‌نسلانش (من، سهراب سیرت، رامین عرب‌نژاد، شهیر داریوش، عنایت شهیر، فرزاد فرزند، حامد خاوری و...) پترکانند.

پنج: وقتی فراخوان جشنواره دادند و کاربران فیسبوک را ناشیانه برای گزینش ده شاعر برتر فراخواندند، از میان همان‌ها و از هر سه نفر نام مرا در کنار «روح‌الامین امینی»، «کاوه جبران» و «وحید بکتاش» نوشته بودند. آن‌ها به شکل عقده‌مندانه نام‌ها را مرزبندی کردند. باز هم به دوستانی که روزی سنگ «شورش ادبی» و ادبیات اعتراض را بر سر و سینه می‌زدند یادآوری می‌کنم که شخص رییس اتحادیه که حالا به صورت غرض‌مندانه در جهت انکار من، رفقای مرا دورش جمع کرده است، در مقاله‌ی بی‌نام (شاعر عاصی بلخ)، که - در سایت جدید آن‌لاین هنوز قابل دسترسی است - مرا «منزوی» امروز شعر خوانده بود و با حافظ مقایسه کرده بود. قطعی است که هیچ‌یک از شما را به آن پیمانہ ستایش نکرده است. من نه از آن ستایش خوشحالم و نه از نگوهرش و انکار امروزش. مشکل من تنها این است که نه من خود می‌خواهم به این فضای مسموم آلوده شوم و نه دوست دارم دیگری در این دام فرینده بیفتد.

ادامه دارد...

ایران در پی خرید کیک زرد از قزاقستان

او همچنین گفت که ایران پیرامون مذاکرات هسته‌ای به توافقی برای ساخت مشترک سوخت با روسیه دست یافته است. او ادعا کرد که «نقشه‌ی راه» همکاری ایران و روسیه برای ساخت سوخت هسته‌ی ترسیم شده و به تأیید مقام‌های هر دو کشور رسیده است.

پیشران هسته‌ی نظامی با سوخت ۳.۵ درصد

علی‌اکبر صالحی همچنین در پاسخ به سؤالی درباره‌ی امکان‌پذیری ساخت پیشران هسته‌ی با سوخت ۳.۵ درصد گفت که این کار امکان‌پذیر است. کارشناسان نظامی گفته‌بودند که برای ساخت پیشران هسته‌ای دریایی نیاز به اورانیومی با غلظت بالاتر وجود دارد.

علی‌اکبر صالحی اما گفت که می‌توان در پاسخ به تمديد آيسا، قانون تحریم‌های ایران در کنگره‌ی امریکا پیشران هسته‌ی را با توجه به نیاز مسئولان «کشتی‌رانی و مسئولان نظامی» با سوخت ۳.۵ درصد طراحی کرد.

حسن روحانی، رییس‌جمهور ایران پس از تمديد قانون تحریم‌ها علیه ایران در پایان سال میلادی گذشته - قانونی که هر یک دهه تجدید می‌شود - دستور داده بود که ساخت پیشران هسته‌ی در دستور کار نیروهای نظامی ایران قرار بگیرد.

او بار دیگر از برجام در برابر متقدان و «دلواپسان هسته‌ی» دفاع کرد.

(رادپو زمانه)

صالحی به خبرنگار ایسنا گفت که تهران برای خرید کیک زرد به کمیسیون مشترک برجام درخواست می‌فرستد و پس از موافقت اعضا اقدام به خرید آن می‌کند.

رییس سازمان انرژی اتمی ایران ادعا کرد که پنج دولت از کشورهای ۵+۱ با خرید ۹۵۰ تن اورانیوم از قزاقستان موافقت کرده‌اند، اما بریتانیا پس از اعلام نتایج انتخابات امریکا نظر پیشین خود را عوض کرده و هنوز موافقت خود را اعلام نکرده است.

پس از بر سر کار آمدن دونالد ترامپ در امریکا، انتقادهای از برجام از سوی واشنگتن و نیز تل‌آویو شدت گرفته است. با این حال، بریتانیا کماکان از حفظ برجام دفاع می‌کند.

به گفته صالحی، نهایی‌شدن خرید به موافقت بریتانیا وابسته است.

نقش بیشتر روسیه

صالحی در این گفت‌وگو اعلام کرد که خرید کیک زرد از «چند کشور» یکی از درخواست‌های ایران از کمیسیون مشترک برجام بوده است. او گفت که دو هفته پیش نیز محموله‌ای ۱۴۹ تنی کیک زرد خریداری‌شده از روسیه وارد کشور شده بود.

صالحی با اشاره به ۲۳۴ تن کیک زردی که در ازای واگذاری اورانیوم غنی‌سازی‌شده در اختیار قرار گرفت، مجموع ذخایر کیک زرد وارد شده به ایران در یک سال اخیر را ۲۳۸ تن اعلام کرد.

ایران در پی خرید حدود هزارتن کیک زرد از قزاقستان است، اما بریتانیا هنوز با این مسأله موافقت نکرده است.

علی‌اکبر صالحی، رییس سازمان انرژی اتمی ایران، شنبه هفتم اسفند در گفت‌وگو با خبرنگاری دانشجویان ایران، ایسنا، گفت که تهران به دنبال عقد قرارداد و خرید ۹۵۰ تن کیک زرد از قزاقستان است. او گفت که ۳۰۰ تن از این مقدار از سوی ایران به ترکیب UF۶ تبدیل و دوباره به قزاقستان فروخته خواهد شد. UF۶ یا هگزافلوراید اورانیوم ترکیبی است که در غنی‌سازی اورانیوم به کار می‌رود.

به گفته صالحی، این ۹۵۰ تن در سه سال و طی سه محموله به ایران وارد می‌شود. دو محموله‌ی نخست در دو سال ۶۵۰ تن کیک زرد به ایران وارد می‌کنند و محموله‌ی سوم ۳۰۰ تنی است که ایران پس از غنی‌سازی و تبدیل به UF۶ به قزاقستان بازپس خواهد فرستاد.

پس از امضای توافق‌نامه‌ی هسته‌ی (برنامه‌ی اقدام مشترک یا برجام) بین ایران و کشورهای گروه ۵+۱، تهران تعهد کرد که قسمت‌های مختلفی از برنامه‌ی اتمی خود را محدود سازد یا متوقف کند. با این حال، برجام حلدی برای میزان ذخایر اورانیوم غنی‌سازی‌نشده تعیین نکرده است و خرید کیک زرد از قزاقستان نقض آن محسوب نمی‌شود.

در انتظار موافقت بریتانیا

«چند سرباز» جمهوری آذربایجان در قره‌باغ کشته شدند

جمهوری آذربایجان در اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرد از جمهوری آذربایجان خارج می‌شود، میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر این منطقه تنش وجود دارد.

درگیری‌های سه دهه اخیر در این منطقه دهها هزار کشته بر جای گذاشت و تعداد زیادی را آواره کرد.

قره‌باغ علیا از طرف جامعه‌ی جهانی بخشی از خاک جمهوری آذربایجان شناخته می‌شود، اما تحت کنترل ارمنی‌های ساکن این منطقه است.

جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال ۱۹۹۴ توافقنامه آتش بس امضا کردند، اما این توافق‌نامه هر از چند گاهی نقض می‌شود. (بی‌بی‌سی فارسی)

قرار داده است. اما ارمنستان «حمله» به مواضع جمهوری آذربایجان را تکذیب کرده و گفته است «جانب ارمنی آتش بس را رعایت می‌کند و از جانب آذربایجان می‌خواهد از اقدام در جهت وخیم کردن اوضاع خودداری کند.»

جمهوری خودخوانده قره‌باغ علیا هم جمهوری آذربایجان را به انتشار اطلاعات کذب درباره درگیری‌های بامداد شنبه متهم کرده است. به گفته مقام‌های قره باغ علیا نیروهای مسلح جمهوری آذربایجان آغاز به حمله کردند اما با متحمل شدن تلفات سنگین ناچار به عقب نشینی شده‌اند.

از سال ۱۹۸۸ و زمانی که قره‌باغ کوهستانی، با جمعیت ارمنی و به عنوان بخشی خودمختار از

نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان و ارمنستان بامداد امروز، شنبه ۲۵ فوریه، در منطقه‌ی مورد مناقشه قره‌باغ علیا با یکدیگر درگیر شده‌اند و گزارش‌ها حاکی از کشته شدن چند سرباز جمهوری آذربایجان در این درگیری است.

مقام‌های نظامی ارمنستان و جمهوری آذربایجان روایت‌های متفاوتی از این اتفاق دارند و مقابل یکدیگر را به آغاز درگیری متهم کرده‌اند.

وزارت دفاع آذربایجان اعلام کرده است که نیروهای ارمنی در ساعات اولیه روز شنبه تلاش گسترده‌ی کردند تا به مواضع تحت کنترل جمهوری آذربایجان رخنه کنند و درگیری‌های سنگینی در محور خجاولند فضولی رخ داد.

جمهوری آذربایجان می‌گوید ارمنستان سپس با توپخانه سنگین منطقه درگیری را هدف

وزیر خارجه‌ی عربستان سعودی پس از ۱۴ سال به عراق سفر کرد

در سال ۱۹۹۰ قطع شد اما یک سال پیش عربستان سفیری جدید به بغداد فرستاد. با این حال چند ماه بعد، این سفیر به خاطر اظهار نظری در مخالفت با شبه‌نظامیان شیعی هوادار دولت موسوم به حشد الشعبی مجبور به ترک عراق شد. (رادپو فردا)

بنابر بیانیه‌ی که دفتر حیدر العبادی، نخست وزیر عراق منتشر کرده، دو طرف در دیدار روز شنبه خود درباره همکاری در زمینه‌های مختلف، از جمله مقابله با گروه خلافت اسلامی یا داعش، به رایزنی پرداختند.

روابط دیپلماتیک عراق و عربستان پس از اشغال کویت توسط دولت صدام حسین

عادل الجبیر، وزیر خارجه‌ی عربستان سعودی، روز شنبه به همراه هیأتی وارد عراق شد و با حیدر العبادی، نخست وزیر و ابراهیم جعفری، وزیر خارجه آن کشور دیدار و گفت‌وگو کرد.

این نخستین سفر یک دیپلمات ارشد سعودی به عراق از سال ۲۰۰۳ محسوب می‌شود.

قتل برادر رهبر کوه‌ی شمالی: یکی از مظنونان «۹۰ دلار پول گرفته بود»

تبعه ویتنام دیدار کرده‌اند، ولی درباره این ملاقات حرفی نزده‌اند.

یکی از مقامات ارشد سفارت اندونزی در مالزی، پس از ملاقاتی نیم‌ساعته با سیتی آسیا گفت: «او فقط به طور کلی گفت که یک نفر از او خواسته است تا این کار را بکند و چند نفر را هم که شبیه ژاپنی‌ها یا کره‌ی‌ها بودند، ملاقات کرده است.»

او به نقل از این زن اضافه کرد: «کسی که ملاقاتش کرد، به او ۴۰۰ رینگیت داد تا دست به این کار بزند... به این زن چیزی شبیه نوعی روغن داده شده بود.»

کیم جونگ نام، پسر بزرگ رهبر پیشین کره‌ی شمالی بود و در دوره‌ای، رهبر آتی احتمالی آن کشور به‌شمار می‌رفت، ولی گمانه‌زنی‌ها در این باره، در سال ۲۰۰۱

میلادی و زمانی که او با پاسپورتی تقلبی قصد ورود به ژاپن داشت، به پایان رسید. او بعدها به یکی از منتقدان حاکمان کره‌ی شمالی تبدیل شد.

(بی‌بی‌سی فارسی)

طبقه‌بندی کرده است. آقای کیم هفته گذشته و پس از آن جان خود را از دست داد که دو زن در فرودگاه کوالالامپور به سراغش رفتند. در تصاویر ویدئویی مشخص است که یکی از زن‌ها او را از پشت می‌گیرد و دیگری پارچه‌ای را به صورتش می‌کشد.

او در فرودگاه دچار شوک شدید شد و در مسیر بیمارستان جان خود را از دست داد. تصاویر دوربین مدار بسته فرودگاه کوالالامپور مالزی از سوء‌قصد به کیم جونگ نام

این ظن قوی می‌رود که کره‌ی شمالی در این قتل دست داشته است، ولی مقامات آن کشور چنین گمانه‌هایی را به شدت رد کرده‌اند.

یک زن ویتنامی و یک مرد تبعه کره شمالی هم در ارتباط با این قتل بازداشت شده‌اند و دست‌کم هفت نفر دیگر تحت تعقیب پلیس هستند.

مقامات ویتنامی در مالزی هم با مظنون

یک زن اندونزیایی که به‌عنوان یکی از مظنونان به قتل برادر ناتنی رهبر کره‌ی شمالی در مالزی در بازداشت است، گفته که ۴۰۰ رینگیت مالزی (معادل ۹۰ دلار) به او پرداخت شده بود تا در یک «برنامه‌ی دوربین مخفی» ایفای نقش کند و به صورت یک فرد در فرودگاه «روغن بچه» بمالد.

روز شنبه، ۲۵ فوریه، مقامات سفارت اندونزی در کوالالامپور، پایتخت مالزی، با سیتی آسیا دیدار داشتند. این زن جوان به آنها گفته است که به او پول داده شده بود تا در «دوربین مخفی» یک برنامه‌ی تلویزیونی حاضر شود و به او گفته شده بود که قرار است با مالیدن «روغن بچه» به صورت یک مرد، واکنش او برای بخش «دوربین مخفی» برنامه، ثبت شود.

آزمایش‌ها نشان داده است که آقای کیم با ماده «وی‌اکس» کشته شده است که نوعی ماده شیمیایی عصبی کشنده است. سازمان ملل متحد این ماده شیمیایی را در فهرست جنگ‌افزارهای کشتار جمعی ممنوعه

چرا بهترین مربی دنیا اخراج شد؟

اگرچه شاید خبر جدایی کلودیو رانیری در میدان‌هوایی میدلندز مخابره شده باشد، اما ریشه‌های این جدایی را باید در یک بعد از ظهر گرم کالیفرنیا در ماه جون جستجو کرد. در تابستان امسال، بازیکنان لسترسیتی برای حضور در رقابت‌های جام بین‌المللی در لس آنجلس عازم ایالت متحده بودند و علاوه بر بازیکنان، سرمربی ایتالیایی نیز از این پرواز ۱۱ ساعته و برنامه تدارکاتی ناراحت به نظر می‌رسید.

اما قبل از این برنامه نیز اولین نشانه‌های ناراضی‌پدیناسی پدیدار شد که دو ماه قبل از آن اردو و بعد از قهرمانی تاریخی رویاه‌ها در لیگ برتر، هیئت مدیره لسترسیتی تصمیم گرفت تمرینات این تیم را از نزدیک تماشا کند. این تصمیم در شرایطی گرفته شد که لسترسیتی به بزرگ‌ترین موفقیت تاریخ ۱۳۳ ساله خود رسیده بود و به نظر می‌رسد که سطح انتظار هیئت مدیره به شکل بی‌سابقه‌یی افزایش یافته است.

البته به نظر می‌رسد که تصمیم اخراج رانیری توسط هیئت مدیره این تیم بعد از شکست عجیب لستر در برابر میلوال در جریان جام حذفی در ابتدای هفته گذشته گرفته شده است. صرف نظر از شکست برابر سویا در لیگ قهرمانان، گروه مدیریتی باشگاه جلسه‌یی را با بازیکنان بزرگ باشگاه در هتل برگزار کرده و همانجا تصمیم جدایی سرمربی باتجربه ایتالیایی قطعی شده بود.

در این جلسه، از بازیکنان در مورد مشکلات درون رختکن لستر سوال شده بود و آن‌ها نیز پاسخ مثبتی به این اتفاقات داده بودند. آن‌ها اعتماد خود را به سرمربی ۶۵ ساله از دست داده بودند و معتقد بودند که در صورت عدم تغییر، سرنوشت تلخی در انتظار مذافع عنوان قهرمانی لیگ برتر خواهد بود.

حتی در جریان دیدار برابر سویا، تصمیم نیمکت نشین کردن دمارای گری و احمد موسی نیز باعث سردرگمی بازیکنان شده بود و یک منبع آگاه فاش کرد که بازیکنان بارها از تصمیمات عجیب رانیری در طول فصل به ستوه آمده بودند. همچنین یک منبع گاه دیگر اذعان داشت که بازیکنان معتقدند که تنها ۹ ماه بعد از قهرمانی دراماتیک در لیگ برتر، آن‌ها حس می‌کنند که روی عرشه یک کشتی در حال غرق شدن هستند. نکته دیگر، تاکتیک‌های گیج کننده رانیری بود که باعث عصبانیت و کلافگی بازیکنان و دیگر اعضای کادر فنی شده بود.

سرمربی ایتالیایی در صبح روز بازی با دربی کانتی در جام حذفی بازیکنانش را تمرین داد و حتی در بسیاری از دیدارها تنها دو ساعت قبل از سوت شروع بازی، تاکتیک‌های تیمی را به کلی تغییر می‌داده است.

اخباری در مورد برخورد توام با عصبانیت وی با اعضای تدارکات بعد از تساوی بدون گول با کپنهاگن در ماه نوامبر شنیده شده و او بازیکنان را به بی‌لیاقتی در مورد پوشیدن پیراهن چنین تیمی متهم کرده است. این اتفاقات، اولین نشانه‌های از دست دادن کنترل رختکن برای این سرمربی باتجربه بوده است.

در اوایل فصل و زمانیکه بازیکنان لستر در جلسه‌یی خواهان بازگشت به استفاده از تاکتیک ۲-۴-۴ فصل قبل و بازی بر مبتنی ضدحملات بوده‌اند، رانیری با رد کردن این درخواست تاکید کرد که تنها یک قدرت تصمیم‌گیری در باشگاه وجود دارد.

در کنفرانس‌های مطبوعاتی، اگرچه رانیری همانند فصل قبل با روزنامه نگاران دست می‌داد و همه چیز مانند گذشته بود، اما کلماتی که وی برای توصیف بازیکنانش به کار می‌برد حاکی از آن بود که رانیری درک درستی از شرایط تیم و آنچه بر

وی می‌گذرد ندارد.

حالا با توجه به اخبار و شایعات، همان بازیکنان به شدت زیر ذره‌بین هستند. اخبار زیادی در مورد شورش و توطئه بازیکنان بزرگ لستر از جمله کسپر اشمایکل و جیمی واردی به گوش می‌رسد و شرایط به گونه‌یی است که یادآور روزهای جدایی مورینیو از چلسی و القابی که او برای بازیکنانش انتخاب می‌کرد است.

بعد از شکست سنگین اوایل ماه برابر یونایتد در کینگز پاور، کسپر اشمایکل شرایط دفاعی تیم را بحرانی و وحشتناک توصیف کرد اما با تیزهوشی خاصی تاکید کرد که مشکلات لسترسیتی نه تنها به بازیکنان، بلکه به تمامی ارکان باشگاه از بالا به پایین مربوط می‌شود. اما با نگاهی منطقی در می‌یابیم که زمان رفتن رانیری فرا رسیده بود. لسترسیتی در حال سقوط به دسته پایین‌تر است و درست یا غلط، همیشه تغییرات دامن مربیان را می‌گیرد و بازیکنان سر جای خود باقی می‌مانند.

اما در مورد شرایط فعلی، نمی‌توان رانیری را مقصر همه چیز قلمداد کرد. جان رادکین، مدیر ورزشی باشگاه و از افراد نزدیک به هیئت مدیره نیز به علت انجام غلط وظایف خود به شدت زیر ذره بین قرار گرفته است.

همانطور که سر الکس فرگوسن، سرمربی افسانه‌یی یونایتد‌ها نیز در گذشته تاکید داشت: «اتوبوس برای هیچ کس متوقف نمی‌شود.»

به دست آوردن تنها ۵ برد در لیگ برتر موید آن بود که اوضاع رویاه‌ها به شدت بحرانی است. علیرغم کسب نتایج بسیار خوب در لیگ قهرمانان، زنگ خطر در لیگ برتر از همان ماه نوامبر و شکست برابر واقتورد به صدا در آمده بود.

گرچه سه هفته پیش، هیئت مدیره لسترسیتی با انتشار بیانیه‌یی، بر حمایت بی‌دریغ و کامل از رانیری تاکید داشت اما بسیاری آن بیانیه را هشدارِی به بازیکنان دانستند که بنای آن، تاکید بر ماندن رانیری و عدم تصمیم بر جدایی وی بود. اما شکست برابر سوانسی و بحرانی‌تر شدن شرایط آن‌ها در جدول به هیئت مدیره نیز ثابت کرد که انتشار این بیانیه تنها تلف کردن وقت و به تعویق انداختن تصمیم نهایی بوده است.

گرچه شکست برابر میلوال، پایان کار سرمربی ایتالیایی در لستر بود، اما این تیم نمی‌توانست بدون سرمربی به سویا سفر کند. پس این دیدار به مثابه جشن خداحافظی رانیری در لستر بود.

نمایش درخشان اشمایکل و اولین گول جیمی واردی در سال ۲۰۱۷ گرچه شاید نقطه عطف پایان کار رانیری بود، اما خبر خداحافظی او خیلی زود منتشر شد؛ کمتر از ۲۴ ساعت بعد از جدال در سویا.

گری لینکر، اسطوره فوتبال انگلیس و کارشناس تلویزیونی بعد از انتشار این خبر اعتراف به گریه و ابراز همدردی کرد و تاکید داشت که رویارویی با این مرد ۶۵ ساله همیشه برای او لذت‌بخش بوده است.

بعد از قهرمانی تاریخی در فصل گذشته، رانیری در محافل خصوصی تاکید داشت که کار او در فصل جاری بسیار دشوارتر از گذشته است زیرا باید با «کوسه‌ها» دست و پنجه نرم کند. اما به نظر آن «ماهی بزرگ» در رختکن لستر بود و در نهایت باعث از دست دادن عنوان شغلی وی نیز شد.

اگرچه بی‌شک جای کلودیو رانیری در لیگ جزیره خالی خواهد بود و شاید دل بسیاری برای او تنگ شود، اما فوتبال در بسیاری از موارد همین قدر ظالم و بی‌رحمانه عمل می‌کند و سناریوی سقوط رانیری را نیز باید پرده‌یی دیگر از روی ناخوش فوتبال قلمداد کرد.

منبع: تلگراف

اطلاع‌رسانی

یکشنبه | ۸ حوت، ۱۳۹۵

سال ششم | شماره ۱۲۵۳

۷

مورینیو: زلاتان می تواند تا ۴۰ سالگی بازی کند

ژوزه مورینیو، سرمربی منچستر یونایتد به تمجید از زلاتان، مهاجم تیمش پرداخت.
زلاتان تا به حال ۲۴ بار با پیراهن شیاطین سرخ گولزنی کرده و احتمالاً فصل بعد نیز پیراهن یونایتدها را بر تن خواهد کرد.

مورینیو گفت: «زلاتان حتی از زمانی که مربی او در اینتر بودم هم بهتر شده است. سبک بازی او منضبط‌تر و هوشمندانه‌تر شده و درک او از شرایط نیز پیشرفت کرده است. حالا زلاتان به جز قدرت تمام‌کنندگی، در موقعیت ساختن نیز متبحر شده است. زلاتان قدرت رهبری فراوانی دارد و احساس خاصی در مورد مراقبت و همراهی با بازیکنان جوان تیم دارد. به نظر من او از لحاظ فیزیکی نیز تا ۴۰ سالگی قادر به بازی کردن خواهد بود. البته قدرت او معطوف به شرایط فیزیکی نیست و او از لحاظ روحی نیز بسیار قدرتمند است. البته زلاتان خوش‌چانس بوده که تا به حال با مصدومیت شدیدی مواجه نشده و ممکن است سه تا پنج سال دیگر نیز برای یونایتد بازی کند. اما زلاتان بالاخره روزی تصمیمی می‌گیرد که جهان فوتبال مجبور به پذیرش آن است. عملکرد وی تا به حال فوق‌العاده بوده اما روزی او می‌گوید که دیگر کافیست.»



پیش‌بینی ریکلمه

از آینده مسی در بارسلونا

اسطوره باشگاه بوکاجونیورز با خوشبینی به آینده مسی در بارسا نگاه می‌کند.

خوان رومن ریکلمه، ستاره سابق تیم ملی ارجنتاین و باشگاه‌هایی چون بوکاجونیورز، ویرتال و بارسلونا، در مصاحبه جدید خود در مورد وضعیت مسی در بارسلونا صحبت کرد.

قرارداد مسی با بارسا تا جون ۲۰۱۸ اعتبار دارد و هنوز مذاکرات تمدید قرارداد او نتیجه روشنی نداشته است.

ریکلمه که با بی‌مهری از بوکا جونیورز جدا شد و نتوانست در باشگاه محبوب خود از فوتبال خداحافظی کند، در مورد آینده مسی گفت: «لئو بازیکن بسیار بزرگی است و این را همه می‌دانند. وقتی او در ترکیب اصلی بود، چانس ما برای پیروزی بیشتر می‌شد. مسی بازیکنی است که این توانایی را دارد تا در هر بازی سرنوشت‌ساز ظاهر شود. درست است مسی هنوز قرارداد خود را تمدید نکرده؛ اما او در بارسلونا باقی خواهد ماند. او در این باشگاه بزرگ، راحت است و احساس خوشبختی می‌کند. دیگر دلیلی ندارد به دنبال جدایی از تیم محبوبش باشد. فکر نمی‌کنم اتفاقی مثل آنچه برای من افتاد، برای مسی هم بیفتد. او در بارسلونا فوتبالش را تمام خواهد کرد.»



کلوپ: برای ماندن باید جام ببرم

یورگن کلوپ، سرمربی لیورپول تاکید کرد که اگر می‌خواهد برای مدت طولانی در لیورپول بماند باید جام ببرد.

سرمربی آلمانی هنوز به دنبال کسب اولین جام به همراه لیورپول است. او از فصل گذشته که در این تیم حاضر شده پیشرفت چشم‌گیری در لیورپول ایجاد کرده ولی در کسب جام نا موفق بوده است. پس از اخراج کلودیو رانیری، کلوپ تاکید کرد که جام بردن و کسب موفقیت برای ادامه حضور ضروری است. او گفت: «من حالتی که به شما فرصت داده نمی‌شود را تجربه نکردم. همیشه اینگونه بوده‌ام. همیشه قراردادی طولانی با باشگاه داشته‌ام، هر چقدر که خواست‌ام و دقیقاً نمی‌دانم چرا اینگونه بوده است. لیورپول به عنوان یک باشگاه روابط طولانی مدت با مربیانش دارد ولی همیشه این ارتباط به موفقیت بستگی دارد. اگر توانیم در چند سال آینده جامی ببریم، کارمان دشوار خواهد بود.»

سیمئونه: بارسا همچنان بهترین تیم دنیاست

تمرکز داریم و کاری نداریم که بازی فردا برای بارسا حکم مرگ و زندگی را دارد. این بازی سوای اینکه حریف ما بارسلونا است و یک رقیب مستقیم محسوب می‌شود، فقط سه امتیاز دارد. هنوز تا پایان لالیگا خیلی باقی مانده و نتیجه بازی فردا هیچ تاثیری در قهرمانی هیچ تیمی نخواهد داشت.»

سیمئونه ادامه داد: «من با اینکه می‌گویند بارسا در شرایط بدی قرار دارد موافق نیستم. آن‌ها همچنان بهترین تیم دنیا هستند. شکست ۴-۰ از پاری سن ژرمن، در روز بد بارسا رقم خورد. هر تیمی در یک فصل می‌تواند یک روز بد داشته باشد. کسب افتخاراتی مشابه بارسا در ۱۰ سال اخیر بسیار سخت است. آن‌ها با انریکه در دو سال اخیر ۸ جام از ۱۰ جام ممکن را فتح کرده‌اند و قبول ندارم که در افت به سر می‌برند.»

فابریگاس: صد در صد در چلسی می‌مانم

سسک فابریگاس، هافبک چلسی تاکید کرد که فصل آینده صد در صد در چلسی خواهد ماند.

فابریگاس بیشتر ذقایت این فصل را از روی نیمکت تیمش را همراهی کرده و آینده‌اش تحت هدایت کوتاه هنوز نامشخص است. در حالی که شایعاتی مبنی بر انتقال او به لیگ چین شنیده می‌شود، سسک علاقه‌یی به ترک چلسی ندارد.

او گفت: «صد در صد در چلسی خواهم ماند. به هیچ چیزی به جز به چالش کشیدن خودم در چلسی فکر نمی‌کنم. شرایط از

ماتا:

جام اتحادیه رادست کم نمی‌گیریم

شویم. مهم نیست که فینال جام اتحادیه است. فینال فینال است و هیچگاه مشخص نیست که یک بار دیگر فرصت حضور در آن باشد یا نه. بنابراین باید از فرصت بهترین استفاده را کرد و سعی کرد پیروز بود. اگر ببازید حس بدی خواهید داشت. فینال همیشه روز خاصی است. مشخصا اگر پیروز شوید خیلی بهتر است ولی بازی کردن در ومبلی مقابل هواداران حس متفاوتی به آن روز می‌دهد. من به خاطر جام‌هایی که تا به اینجا کسب کرده‌ام خوش چانس بوده‌ام ولی در فینال متمرکز خواهیم بود و سعی می‌کنیم اشتباهی انجام ندهیم.»

رانیری:

روایهای من نقش بر آب شدند

صمیمانه تشکر می‌کنم. اما قدردانی بزرگ من نسبت به هواداران است؛ شما از همان روز اول نیز به من عشق ورزیدید و من نیز شما را عاشقانه دوست داشتم. هیچ کس قادر نیست دستاوردهایی که ما در کنار هم به دست آوردیم را از ما بگیرد و من امیدوارم همانند من، هر روز به آن فکر کنید و لبخند بزنید. آن روزهای شیرین و شگفت‌انگیز را هرگز فراموش نخواهم کرد. برای من تجربه قهرمانی در کنار شما بسیار لذت‌بخش و افتخارآمیز بود.»

سیمئونه دیروز طبق عادت، در نشست‌های خبری پیش از بازی با بارسلونا، آبی‌اناری‌ها را بهترین تیم دنیا دانست و این در حالی است که بسیاری، بارسلونا را دور از کیفیت همیشگی‌اش می‌بینند.

اتلتیکو امروز بهترین فرصت را برای کم کردن فاصله با بارسلونای رده دومی می‌بیند و آبی‌اناری‌ها نیز چشم به صدرنشینی موقت در لالیگا دارند.

ال چولو به خبرنگاران گفت: «هیچ زمان خاصی، بهترین زمان برای مقابله با بارسلونا نیست. هر مسابقه، انگیزه‌های خاص خود را در بازیکنان ایجاد می‌کند. یک بازی دشوار و مهم پیش روی ما قرار دارد؛ مثل تمام بازی‌هایی که تاکنون با بارسا انجام داده‌ایم. در ۵ بازی اخیر، ۴ بار پیروز شده‌ایم و اصلا به اینکه می‌گویند بارسا در شرایط خوبی قرار ندارد هم فکر نمی‌کنیم. ما فقط روی خودمان

یافته‌های این گروه نشان داده که این گونه روابط باعث می‌شود افراد بیشتر بتوانند خود را جای دیگری بگذارند. دلیل این مسأله تاحدی این است که افراد می‌خواهند از معنا و ماهیت رابطه‌شان سر درآورند. علاوه بر این، از آن‌جاکه روابط دوجبهی باعث می‌شود افراد از شرایط فعلی خود مطمئن نباشند، آن‌ها را وادار می‌کند برای تثبیت جایگاه خود بیشتر تلاش کنند.

«دوست‌مان» یا دوست‌دشمن‌ها، از این جهت که به شکل مشخصی چندلایه هستند (محبت در لایه‌ی بالایی و رقابت یا بی‌میلی در پایین آن)، در گروهی مجزا قرار می‌گیرند. این شرایط برای روابط دوجبهی صادق نیست، روابطی که مخلوطی هستند از عشق، نفرت، دل‌خوری، دل‌سوزی، فداکاری و عطفوت. بسیاری از افراد وجود نیروی برانگیزاننده و مثبت دوست‌دشمنی را در محیط کار، فضای رمانتیک و تربیت فرزند مفید می‌دانند.

همانند خانواده‌های ناراضی، دوستان هم می‌توانند به‌اشکال مختلف بی‌نهایت «بد» باشند که، در این شرایط، هیچ وجه دومی هم وجود نخواهد داشت. سوزان هیتلر، روان‌شناس بالینی از دنور، و شارون لیوینگستون، روان‌شناس و مشاور بازاریابی از نیویورک، به این مسأله پرداخته و چند خصلت بارز را در این چارچوب مشخص کرده‌اند: دوست بد باعث می‌شود شما با دوستان دیگرش احساس رقابت پیدا کنید. او بسیار بیشتر درباره‌ی خودش صحبت می‌کند تا شما در باره‌ی خودتان. همچنین به‌شکلی حق‌به‌جانب از شما انتقاد می‌کند، اما وقتی از او انتقاد کنید موضع دفاعی می‌گیرد. کاری می‌کند احساس کنید روی لبه تیغ راه می‌روید و هر لحظه ممکن است خشم یا ناراضی‌تی او را برانگیزد. انگار که شما را سوار ترن هوایی احساسی کرده باشد، یک روز خوش‌رو است و تحسینتان می‌کند و روز بعد بی‌اعتناست و به‌سردی با شما رفتار می‌کند.

در سال ۲۰۱۴، گروهی از دانشگاه کارنگی ملون در پیتسبورگ دریافتند که، هرچه میزان منفی‌نگری در روابط بانوان سالم بالای پنجاه سال افزایش یابد، به همان نسبت، فشار خون نیز افزایش می‌یابد. تعاملات منفی اجتماعی (برخوردهایی مانند انتظار بیش‌ازحد، عیب‌جویی، دل‌سردی و مشاجره‌های ناخوشایند) باعث افزایش ۳۸ درصدی این خطر شده است. در مردها رابطه‌های میان روابط بد و فشار خون بالا مشاهده نشد. این موضوع احتمالاً به این دلیل است که بانوان اهمیت بیشتری برای روابط قائل هستند و عادت کرده‌اند که توجه بیشتری به این مسائل داشته باشند.

تعاملات ناخوشایند نیز هم در مردان و هم در بانوان می‌تواند به تندخویی منجر شود. جسیکا چیانگ، پژوهشگر دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس، که مطالعه‌اش این مطلب را تأیید می‌کند، می‌گوید انباشت عوامل استرس‌زا همانند زهری واقعی می‌تواند باعث آسیب جسمی شود.

برخی دوستی‌های آزردهنده‌ی ما در ابتدا خوب بوده و بعد از مدتی بد می‌شوند. برای مثال نرخ پرخاشگری سایبری

رابطه‌های دوجبهی باعث افزایش واکنش‌پذیری قلبی‌عروقی، پیری سلولی بیشتر، مقاومت کمتر در مقابل استرس و کاهش میان دوستان ۴.۳ برابر این نرخ در میان دوستان دوستان است، یا، آن‌طور که دایان دوپواتیه معشوقه‌ی شاه‌هنری دوم فرانسه در قرن شانزدهم گفته، «برای داشتن دشمنی خوب، یک دوست انتخاب کنید: او خوب می‌داند کجا را هدف قرار دهد».

فقط نیمی از دوستی‌های جهان «متقابل» است

مرجع: aeon ■ کارلین فلورا ■ ترجمه: امیرحسین میرابوطالبی ■ بخش اول



مقدار اعضای خانواده هستند (که خواهی نخواهی گرفتارشان هستیم) تا دوستان؛ باوجوداین، این هم نشانه‌ی دیگری است که نشان می‌دهد جایگاه دوستی آن‌قدرها هم رفیع نیست. دوستانی که وفادار، قابل‌اعتماد و خوش‌مشرب هستند، یعنی دوستان خوب، اگر بعضی صفات ناخوشایند را هم داشته باشند، می‌توانند برای تان بد باشند. پژوهش‌های آن‌جام‌شده روی شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که دوستان افسرده احتمال افسرده‌شدن شما را افزایش می‌دهند، دوستان چاق امکان چاقی شما را بالا می‌برند و بالاخره دوستانی که اهل مشروب و سیگار هستند باعث می‌شوند بیشتر سیگار و مشروب مصرف کنید.

بعضی دیگر از دوستان خوب دارنده‌ی (یا در حال کسب) ارزش‌ها و عاداتی هستند که با عادات و ارزش‌های فعلی یا درحال‌ظهور شما هم‌جهت نیست. مشخص است که آن‌ها «ضرری» به شما نرسانده‌اند، اما کسانی هم نیستند که کیستی شما را تصدیق کنند یا در طول زمان به‌راحتی شما را به‌سوی اهداف‌تان هدایت کنند. ماندن با آن‌ها یعنی شناکردن خلاف جهت جریان آب.

این ملغمه‌ی دوستی‌ها، علاوه‌بر مکررکردن ما، به سلامت‌مان هم آسیب می‌زند. در مطالعه‌ی در سال ۲۰۰۳، جولین هولت لونسند از دانشگاه بریگم یانگ، و برت یوچینو از دانشگاه یوتا از افراد خواستند، زمانی که درباره‌ی تعاملات‌شان با آدم‌های مختلف می‌نویسند، دستگاه کنترل فشار خون به دست کنند. فشار خون در هنگام نوشتن درباره‌ی رابطه‌های دوجبهی بیش از زمان نوشتن درباره‌ی دوستان یا دشمنان مسلم بود. شاید پیش‌بینی‌ناپذیربودن این روابط است که باعث می‌شود حساس‌تر شویم؛ آیا جین کریسمس را خراب خواهد کرد؟ رابطه‌های دوجبهی باعث افزایش واکنش‌پذیری قلبی‌عروقی، پیری سلولی بیشتر، مقاومت کمتر در مقابل استرس و کاهش احساس سلامت می‌شود.

باین‌حال، یافته‌های یکی از گروه‌های پژوهشی حاکی از آن است که دوستی‌های دوجبهی می‌تواند حاوی منافعی در محیط کار باشد.

دوستی‌های بد، عذاب‌آور و سمی به‌میان می‌آید. لذت‌ها و منافع دوستان خوب بسیار است، اما این نکات مثبت هزینه [هم] دارند. اگر از دریچه‌ی وسیع و واقع‌بینانه‌تر بنگریم، دوستی بسیار آشفته‌تر و نامتوازن‌تر از آن چیزی است که تا به امروز ترسیم شده است.

شواهدی هست که نشان می‌دهد تنها نیمی از دوستی‌ها متقابل است. این اولین نکته‌ی است که، همانند آبی سرد، روی تصور آرمانی از دوستی می‌ریزد. این موضوع برای افراد بسیار هولناک است چراکه، براساس پژوهش‌ها، تصور ما بر این است که تقریباً تمام دوستی‌های مان متقابل است. می‌توانید تصور کنید کدام‌یک از افراد فهرست دوستان‌تان شما را در فهرست دوستان خود جای نداده است؟

یک توضیح برای این بی‌تعادلی این است که بسیاری از دوستی‌ها آرمان‌گرایانه است: مطالعه‌ی آن‌جام‌شده بر روی نوجوانان نشان می‌دهد که همه دوست دارند با افراد محبوب دوست شوند، اما این افراد محبوب، که از درجه‌ی اجتماعی بالاتری برخوردار شده‌اند و توجه بیشتری به آن‌ها می‌شود، انتخاب‌های خودشان را دارند (و میانگین را منحرف می‌کنند). استیون استروگاتز در سال ۲۰۱۲ در نیویورک تایمز در مقاله‌ی که این ادعا را تأیید می‌کرد، اشاره کرد که، بنا به یافته‌هایش، «دوستان» شما در فیس‌بوک همیشه، به‌طور متوسط، «دوستان» بیشتری نسبت به شما دارند. چنین برمی‌آید که در این دنیا، که ذهن‌ها همه مشغول جایگاه است، نمی‌توان دوستی را واحه‌ی میان بیابان بی‌آب‌و‌علف دانست.

روابط «دوجبهی»، در اصطلاح علوم اجتماعی، با وابستگی متقابل و کش‌مکش مشخص می‌شود. انسان احساسات مثبت و منفی بسیاری نسبت به افراد موجود در چارچوب این روابط دارد. ممکن است زمانی که آن‌ها زنگ می‌زنند مطمئن نباشید که گوشی را بردارید یا نه. این نوع روابط نیز متداول هستند. نزدیک به نیمی از اعضای مهم شبکه‌ی اجتماعی یک نفر را می‌توان در این دسته‌ی دوجبهی قرار داد. درست است که بیشتر این

ایان - حتماً برای تان پیش آمده که روبه‌روی دوست‌تان نشسته و احساس کرده‌اید که حقیقتاً درک‌تان می‌کند و عمیقاً شما را می‌شناسد. شاید احساس کرده‌اید که چگونه در برخورد با او «بهترین نمونه‌ی خودتان» را بروز داده و هوشمندانه‌ترین نظرات و بامزه‌ترین شوخی‌های تان را به زبان آورده‌اید. او شما را تشویق کرده، به یکی از طرح‌های تان به دقت گوش داده، آن را بسط داده و به‌نرمی پیشنهادهایی برای بهترکردنش ارائه داده است. نشسته‌اید و پشت سر دوستان مشترک‌تان حرف زده‌اید، خاطره‌های تان را با هم مرور کرده‌اید و موضوعات موردعلاقه‌تان را، با زبان و اصطلاحاتی که فقط مخصوص خودتان است، زیورور کرده‌اید. شاید او را ستایش کرده و به‌خاطر شباهت‌تان به او به خود بالیده‌اید. زمانی که فردی، با چنین جایگاهی نزد شما، برای تان ارزش قائل می‌شود، عمیقاً احساس رضایت می‌کنید: حسابی شاد، سرحال و سرخوش می‌شوید.

این‌ها دوستی‌هایی هستند که روح ما را سرشار می‌کنند، هویت‌مان را می‌پروراندند و مسیر زندگی‌مان را شکل می‌دهند. بررسی این موضوع در آزمایشگاه‌های علوم اجتماعی به‌خوبی به ما نشان داده که این روابط ما را، از نظر ذهنی و جسمی، سالم و شاداب نگه می‌دارد: دوستان خوب ایمنی را افزایش می‌دهند، خلاقیت را شکوفا می‌کنند، فشار خون‌مان را پایین می‌آورند، سالمندان را از زوال عقل حفظ می‌کنند و حتی احتمال مرگمان را نیز کاهش می‌دهند. اگر حس می‌کنید زندگی بدون دوستان‌تان ممکن نیست، احساس‌بازی درنیاورده‌اید و کاملاً حق دارید. اما حتی آرام‌ترین و گرم‌ترین دوستی‌ها نیز، مانند اغلب روابط انسانی، ممکن است دچار تنش و نزاع شوند. ممکن است این روابط بخشی از جادوی خوشایندشان را از دست بدهند و دیگر نتوانند آن را بازیابند. حتی ممکن است، به‌دلایلی ترازیک یا اصلاً بدون هیچ دلیلی، به‌کلی از بین بروند. این‌جاست که پای دوستی‌های نه‌چندان آرام، دوستی‌های بیش‌ازپیش دشوار و

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

DUBAI

JEDDAH

ISTANBUL

ANKARA

MOSCOW

URUMQI

DELHI

- 1 مسافین محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافین محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافین محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافین گروهی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.